



منبع اسرائیلی!
نامه دفتر روحانی به جبلی



ابتدا اقدام، بعد گزارش
اظهارات عارف در معارفه معاون اجرایی رئیس‌جمهور



«زمان» در یادها
به مناسبت سالروز تولد حسین زمان



به‌دنبال واکنش‌های گسترده مردمی در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی نسبت به ضرب‌و‌شتم دو دختر نوجوان توسط نیروهای گشت ارشاد، سازندگی از **رئیس‌جمهور پزشکیان** مطالبه می‌کند:

وقت عمل است

مسعود پزشکیان در ایام انتخابات گفته بود: تضمین می‌دهم که تمام دولت در برابر گشت‌های اجباری، فیلتر کردن، فیلترشکن‌بازی و فشارهای بیرونی در همه جلسات و تمام‌قد بایستد



فائزه مومنی
گروه اجتماعی

انتشار تصاویر ضرب‌و‌شتم دو دختر نوجوان به دست نیروهای گشت ارشاد، واکنش‌های گسترده‌ای را در شبکه‌های اجتماعی به همراه داشته و کاربران خواستار اجرای وعده‌های مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور جدید برای توقف فعالیت گشت ارشاد شدند. تصاویر ویدئویی که روز سه‌شنبه ۱۶ مرداد منتشر شد، حاکی از برخورد نیروهای طرح موسوم به «نور» با دو دختر نوجوان در خیابان وطن‌پور شمالی تهران است. این تصاویر نشان می‌دهد که ماموران نیروی انتظامی دو دختر نوجوان که روسری بر سر ندارند را خشونت‌بار با ضرب‌و‌شتم بازداشت می‌کنند. پلیس ایران در بیانیه‌ای در واکنش به انتشار خبرساز این ویدئو نوشت: «ماموران به دو خانم جوان درخصوص پوشش نامناسب و کشف حجاب تذکر داده که متأسفانه با فحاشی و الفاظ ناروا روبه‌رو شدند». پلیس در عین حال گفته است، رفتار ماموران مطابق «استاندارد» نبوده است. دادستان نظامی تهران هم گفته بازپرس ویژه درحال تحقیق در مورد این شکایت است و ماموران حاضر در صحنه «شناسایی و احضار» شدند.

ادامه در صفحه ۷



J A M A L

معمار ۲ اکتبر

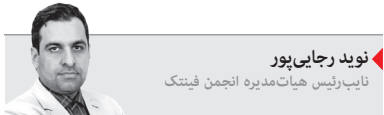
یحیی السنوار به عنوان
رئیس جدید دفتر سیاسی حماس انتخاب شد



یادداشت روز

جای خالی نهاد تنظیم‌گر

باتفکر سنتی نمی‌توان
اقتصاد مدرن دیجیتال را مدیریت کرد



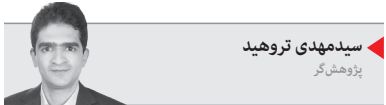
نوید رجایی‌پور
نایب‌رئیس هیات‌مدیره انجمن فینتک

سه‌م اقتصاد دیجیتال در gdp تمامی کشورهای جهان درحال رشد است و مشخصاً برنامه‌ریزی و توسعه این بخش از اقتصاد در دستور کار همه کشورهاست چراکه جز توسعه این بخش در بخش‌های دیگر اقتصاد رشد قابل ملاحظه‌ای انتظار نمی‌رود. اکنون با شروع دولت چهاردهم به نظر می‌رسد یکی از راه‌هایی که در پیش‌روی کشور است، توسعه همه‌جانبه این بخش از اقتصاد است، بخشی که می‌تواند با ایجاد ارزش‌های چند برابری در سطوح مختلف آورده بسیار عظیمی برای اقتصاد و پیرو آن رفاه، کارآفرینی و امید به همراه داشته باشد. اما متأسفانه در مسیر این مهم به دلیل وجود موانعی که به راحتی می‌توان آن را پشت سر گذاشت، سرعت آن کند شده و حتی در برخی مواقع برگشت به عقب نیز اتفاق افتاده است. حضور سنت‌های قدیمی در تصمیم‌گیری و اختلاف‌نظر فعالان اقتصاد دیجیتال با تفکر مدیران و سیاست‌گذاران که با این سنت‌های گذشته عجین شده‌اند یکی از موانع رشد در این بخش است. بسیاری از سیاست‌ها و تنظیم‌گری‌ها باید با تفکر توسعه بخش اقتصاد دیجیتال مجدداً پایه‌ریزی شود و به دلیل بین‌بخشی بودن این سیاست‌ها همراهی و همگن بودن مدیران در بخش‌های مختلف دولت و قوای دیگر بسیار ضروری است. به طور مثال فقط در دو بخش فینتک (فناوری‌های مالی) یا سلامت دیجیتال که می‌توانند در نوع خود تحول قابل توجهی در اقتصاد ایجاد کنند و در کشورهای منطقه برنامه‌های بسیار زیادی برای ارتقا این دو صنعت اجرا کرده‌اند، می‌بینیم در سال‌های گذشته با حضور چند نهاد تنظیم‌گر بیش از اینکه رشد کنند، ضربه دیده‌اند و تلاش برای حل موانع مختلف داشته‌اند و در بسیاری از مواقع با توقف و مسدودسازی مواجه بوده‌اند. نهادهای تنظیم‌گر این اقتصادها معمولاً با تفکر سنتی می‌خواهند اقتصاد مدرن دیجیتال را مدیریت کنند. اگر رویکرد و خروجی آنها را بررسی کنیم، متوجه می‌شویم بیشتر مانع رشد بوده و از طرفی نمی‌توانند یک حرف واحد برای توسعه آن بخش بزنند. حوزه فینتک توسط وزارت اقتصاد، بانک مرکزی، نهادهای نظارتی و انتظامی و قوه قضائیه مورد بررسی و مداخله قرار می‌گیرند، همچنین در حوزه سلامت دیجیتال نیز وزارت بهداشت، وزارت صمت، معاونت علمی، وزارت اقتصاد، نظام پزشکی و نهادهای نظارتی و انتظامی با آن درگیر هستند و هر یک موضع متفاوتی دارند و چندین موضوعی که جدید بوده و برای آن از قبل قوانینی وجود ندارد، چالش‌های متعدد هم برای کسب‌وکارها و هم برای مردم ایجاد کرد. اکثر انجمن‌های مرتبط با کسب‌وکارهای فعال در اقتصاد نوآور و دیجیتال بر این باور هستند که ایجاد یک نهاد تنظیم‌گر مستقل برای این بخش از اقتصاد یک ضرورت است، تجربه ایجاد کارگروه اقتصاد دیجیتال در دو دوره ریاست‌جمهوری گذشته می‌تواند درس‌آموخته مناسبی باشد بر این باور کارگروهی که بسیار تلاش کرد، موانع توسعه را برای رشد کسب‌وکارها بردارد و با هماهنگی تمامی ارکان حاکمیت در برخی از اقدامات نیز موفق شد، هرچند به دلیل پراکندگی موضوعی و تعدد ذی‌نفعان قانونی این حرکت‌ها با کندی مواجه بود لکن حداقل روح حاکم بر آن کار جمعی یک محور داشت، آن هم کاهش موانع رشد. اما اکنون با تغییر دولت همچنین رویکرد قابل توجه دولت آینده براساس نظر و استراتژی شخص آقای رئیس‌جمهور که توسعه اقتصاد دیجیتال را بسیار تأکید داشته‌اند، می‌توان این راه را بیش‌ازپیش پیگیری کرد تا با ایجاد یک نهاد تنظیم‌گر مستقل یا حتی شروع روند قانونی، تغییر عنوان یکی از وزارتخانه‌های اقتصاد یا ارتباطات به وزارت اقتصاد دیجیتال، توجه کل قوای سه‌گانه کشور و زیرمجموعه‌ها به این بخش از اقتصاد را مهیا کرد. نهادی که بتواند با قدرت تمامی بخش‌های درگیر با موضوع را سرخط کند و از آنها تغییر در رویکردها، تسهیل‌گیری در نظارت‌ها و همراهی در نوآوری‌ها را طلب کند. از طرف دیگر، کسب‌وکارها نیز بتوانند به یک نهادی که درک کامل از شرایط کسب‌وکاری آنها دارد، پاسخگو بوده و با مشارکت و همفکری برای چالش‌های مشترک چاره‌اندیشی کند.

دیدگاه: یادداشت سیاسی

نزوم شفافیت

اعمال تبعیضی مثبت در حکمرانی چه ملاحظاتی دارد؟



سیدمهدی تروهیدی پژوهش‌گر

توضیحات محمود ظریف درباره امتیاز قائل شدن برای زنان، جوانان و اقلیت‌ها برای حضور در دولت مسعود پزشکیان، واکنش‌هایی به همراه داشت. در این نوشتار می‌کوشیم تا نگاهی کوتاه به سیاست تبعیض جبرانی بیندازیم. در شامگاه ۲۷ تیرماه ظریف- رئیس شورای راهبری انتخاب کابینه دولت چهاردهم- در مصاحبه با صداسیما گفت که نامزدهای زن برای وزارت ۱۰ امتیاز دریافت می‌کنند و اقلیت‌های دینی نیز امتیاز دارند اما مردان و شیعیان هیچ امتیازی نمی‌گیرند. این سخنان با انتقادهایی با این مضمون رویه‌رو شد که در اقلیت بودن نباید مبنای امتیاز قرار گیرد. همچنین ظریف تأکید کرد که این شورا تنها نقشی مشورتی دارد و مسئولیت انتخاب وزرا در نهایت با رئیس‌جمهور منتخب است. آنچه ظریف از آن سخن گفت را می‌توان نشانه‌ای از در دستور کار قرار گرفتن سیاست تبعیض مثبت در دولت چهاردهم- و حداقل در شورای راهبری- دانست.

◀ سیاست تبعیض مثبت چیست؟

تبعیض مثبت/تبعیض جبرانی (Positive discrimination) یا اقدامات مثبت (Affirmative Action) به مجموعه سیاست‌ها و اقداماتی اشاره دارد که هدف آنها افزایش نمایندگی گروه‌های کم‌نماینده، در حاشیه مانده، یا فرو دست در سیاست‌گذاری حوزه‌های مختلف مانند سیاست، آموزش، اشتغال و بهداشت است. تفاوت رویکرد تبعیض مثبت با دیگر رویکردها را می‌توان در تصویر مشاهده کرد. در واقعیت آنچه رخ می‌دهد این است که افراد با قدهای متفاوت تمایل به تماشای مسابقه از بالای مانع دارند. برخی کسان از جایگاه بالاتر و دید بهتری نیز برخوردارند، درحالی که برخی حداقل تسلط لازم را هم به زمین بازی ندارند و مانع کاملاً برای آنان جدی است.

◀ برای جلوگیری از بدل شدن سیاست تبعیض مثبت به تبعیض اختلاف‌برانگیز چه باید کرد؟

تبعیض به معنای برخورد ناعادلانه و نامتناسب با استعدادها و نیاز افراد براساس ویژگی‌هایی همچون نژاد، جنسیت، دین، قومیت و سن است. تبعیض به نفع گروهی و به ضرر گروهی دیگر اعمال می‌شود و موجب نابرابری و ناعادلانه شدن فرصت‌ها می‌شود. پس تفاوت این نوع از تبعیض با تبعیض مثبت چیست و چه باید کرد که تبعیض مثبت، آثار سوء تبعیض را پیدا نکند؟ در پیاده‌سازی تبعیض مثبت، نخستین قدم برای پرهیز از ایجاد مشکلاتی جدید، شفافیت و واضح بودن اهداف است تا بتوان اعمال را با اهداف اعلامی سنجید و از سوء تفاهم‌ها و تفسیرهای نادرست پرهیز کرد. همچنین ضروری است که سیاست تبعیض مثبت به صورت موقت با زمان‌بندی مشخص و همراه با ارزیابی مداوم شرایط محیطی اجرا شوند یعنی تا هنگامی که نابرابری‌ها کاهش یابند و در سطحی قابل قبول قرار گیرند. نمونه‌ای از این ناکارآمدی در اعمال سیاست تبعیض مثبت را در سهمیه‌ایثارگران و خانواده شهدا در کنکور سراسری برای ورود به دانشگاه‌ها می‌توان مشاهده کرد. به علت عدم رعایت چنین ملاحظاتی می‌توان گفت، این سیاست تبدیل به ضدسیاست شده است. در مقام مقایسه می‌توان شرایطی را تصور کرد که خانواده‌های مورد حمایت از ابتدا، از امکانات آموزشی و کمک تحصیلی تکمیلی بهره می‌بردند اما در نهایت در کنکوری فاقد سهمیه و تبعیض شرکت می‌کردند. یعنی تدابیر تبعیض مثبت به قبل از کنکور منتقل می‌شد و نه به بعد از کنکور. نمونه دیگر، آفریقایی‌جنوبی است که حمایت بی‌دریغ و بدون زمان‌بندی حزب کارگر در این کشور از بهبود شرایط کاری، اشتغال، رفاه، حقوق و دستمزد کارگران سفیدپوست شهری نه تنها به بهبود عدالت در این کشور کمک نکرد بلکه به نظامی آپارتاید انجامید. پس باید این پیام به شهروندان مخابره شود که به رغم اعمال سیاست تبعیض جبرانی همچنان مالک اصلی برای انتخاب افراد، شایستگی‌ها، دانش، استعدادها و توانایی‌های واقعی آنهاست و نه صرفاً براساس عضویت در یک گروه اجتماعی خاص. همچنین تأثیرات و نتایج سیاست‌های تبعیض مثبت باید مستمراً بررسی و ارزیابی شود تا از انحراف و سوء استفاده جلوگیری شود. همچنین دولت‌ها می‌توانند از طریق مشوق‌های مالی و غیرمالی، بخش خصوصی را به اتخاذ سیاست‌های تبعیض مثبت تشویق کنند و آنان را نیز به بازی بگیرند. برنامه‌های آموزشی و آگاهی‌بخشی در رسانه‌ها، مدارس و دانشگاه‌ها می‌توانند نقش مهمی در تغییر نگرش‌ها و کاهش مقاومت‌های احتمالی در برابر تبعیض مثبت ایفا کند. در مجموع، تبعیض مثبت ابزاری سیاسی است که در صورت اجرای صحیح می‌تواند به کاهش نابرابری‌ها و ترویج عدالت اجتماعی کمک کند اما باید با تدبیر و مراقبت اجرا شود تا تبدیل به تبعیض اختلاف‌برانگیز نشود و مشکلی بر مشکلات نیفزاید.

پس گرفتن شکایات دولتی

پزشکیان: رئیس‌جمهور به مناسبت ۱۷ مرداد، روز خبرنگار با درخواست انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران مبنی بر «پس گرفتن شکایات نهادهای دولتی از اهالی رسانه به صرف فعالیت رسانه‌ای آنها» موافقت کرد. در بخش‌هایی از نامه پزشکیان آمده است که این اقدام به عنوان عملی در راستای حمایت دولت محترم از فعالیت آزاد رسانه‌ها تلقی می‌گردد و طی مدیران دولتی با باور به اهمیت فعالیت رسانه‌ها با سعه صدر برخورد کند.

دعوت از خبرنگاران

عارف، معاون اول رئیس‌جمهور: روز گذشته و به مناسبت روز خبرنگار پس از سال‌ها درب اتاق معاون اولی رئیس‌جمهور به روی رسانه‌ها باز شد و عارف در نشست که از خبرنگاران دعوت کرده بود از آنها خواست تا دغدغه‌های صنفی‌شان را بیان کنند و معاون اول رئیس‌دولت چهاردهم همچنین با تأکید بر وفای ملی از رسانه‌هایی که آنجا حضور داشتند، درخواست کرد تا اگر راه‌حلی برای عملی شدن این امر و تعامل بیشتر دارند را بیان کنند.



پیام فلسطین

علی مطهری، نماینده ادوار مجلس در شبکه اجتماعی ایکس: پیام انتخاب یحیی سننوار، فرمانده توفان‌الاقصى به‌عنوان رئیس دفتر سیاسی حماس و جانشین مجاهد بزرگ شهید اسماعیل هنیه این است که مبارزه ملت فلسطین با اشغالگران صهیونیست تا آزادی کامل سرزمین مقدس فلسطین و مسجدالاقصى ادامه خواهد داشت و این ترورها صرفاً به این حرکت شتاب می‌بخشد.

ابتدا اقدام، بعد گزارش

تکریم و معارفه معاونت اجرایی ریاست‌جمهوری توسط دکتر عارف برگزار شد

در اولویت کار ماست و مردم را ارباب خود می‌دانیم. معاون اجرایی دولت سیزدهم و سرپرست سابق نهاد ریاست‌جمهوری نیز در این جلسه گفت: از اینکه در مقام سرباز به رئیس‌جمهور شهید خدمت کرده و در ۹ سال گذشته همراهشان بودم بسیار خرسندم. شهید رئیسی مدیری پرتلاش، مجاهدی خستگی‌ناپذیر و با اخلاص بود و با کار شبانه‌روزی، گر‌ها را باز می‌کرد.

وی با توضیح فعالیت‌های صورت گرفته در دولت سیزدهم گفت: معاونت اجرایی رئیس‌جمهور، رابط رئیس‌جمهور، دستگاه‌های اجرایی و مردم است و معاونت اجرایی از لحاظ نظارتی و تنظیم‌گری مسئولیت خطیری دارد که در این ۲ سال و ۱۰ ماه، من و همکارانم در بخش‌های مختلف سعی کردیم به بهترین شکل، وظیفه خود را انجام دهیم.

وی با بیان اینکه در دولت سیزدهم ۴۸ سفر استانی برنامه‌ریزی و اجرا شد، گفت: مدیریت میدانی و ارتباط بدون واسطه با مردم، کارشناسی دقیق و میدانی پروژه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و... از دستاوردهای بزرگ این سفرها بود که این سفرها در معاونت اجرایی ریاست‌جمهوری و با کمک هیات دولت برنامه‌ریزی و اجرا و برای انجام آنها صدها جلسه اصلی و فرعی برگزار شد. وی با بیان اینکه در بخش رسیدگی به مشکلات مردم ۶ میلیون ارتباط مردمی در دولت سیزدهم از طرق مختلف صورت گرفت، گفت: تمامی این درخواست‌ها با دقت پیگیری و بررسی شد و این از دستاوردهای قابل توجه این دولت بود. او در بخش دیگری از سخنان خود به ساماندهی نیروهای انسانی نهاد ریاست‌جمهوری و اقدامات برجسته صورت گرفته در صندوق کارآفرینی امید، بخش‌گزنش و مناطق آزاد و تجاری که با نظر معاون اجرایی رئیس‌جمهور اداره می‌شد، پرداخت و از تمامی همکارانی که در این حوزه‌ها فعالیت کردند، قدردانی و تشکر کرد.



او در صحبت‌های خود در این جلسه با بیان اینکه همه مردم، چه آنها که به پای صندوق‌های رای آمدند و چه آنها که نیامدند، انتظار تغییر در اداره امور کشور را دارند، گفت: انتخاب دکتر پزشکیان به معنای نیاز به تحول و تغییر رویکردهای پیشین حکمرانی و خلق فرصت‌های جدید برای گذر از شرایط خطیر کنونی است. دوره جدیدی که با تکیه بر امیدی نو و همبستگی شکل گرفته، دوره بازگشت به عدالت در همه ابعاد آن و حکمرانی براساس وفاق ملی و عشق به مردم است که می‌تواند راهگشا باشد. وی در ادامه با گرامیداشت نام و خاطره شهدای دولت افزود: نهاد ریاست‌جمهوری باید نشان دهد که مثل رئیس‌جمهور صادق بوده و صدای بی‌صدایان در سراسر کشور و واسطه دولت وفاق ملی، نهادهای دولتی و شهروندان است بنابراین کسب رضایت اکثریت مردم فارغ از هر نژاد، اندیشه و قومی

محسن منصوری، معاون اجرایی دولت سیزدهم و سرپرست سابق نهاد ریاست‌جمهوری تقدیر کرد و افزود: این معاونت نقشی کلیدی در پیگیری امور دستگاه‌ها، برنامه‌ها و وعده‌های رئیس‌جمهور و پاسخگویی به مطالبات مردم دارد. معاون اول دولت چهاردهم در بخش دیگری از سخنان خود با تبریک روز خبرنگار از این موضوع خبر داد که وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ماموریت داده شده تا مطالبات و درخواست‌های خبرنگاران که در شرایط سخت و پر مشقت فعالیت می‌کنند، پیگیری شود و هر اقدامی که لازم است از سوی دولت انجام گیرد. وی با بیان اینکه دولت چهاردهم خودش را مکلف به انجام تعهدات دولت قبل می‌داند، تأکید کرد: تمامی تعهدات دولت گذشته محترم است و در این دولت، اجرای آنها را تعهد خودمان می‌دانیم اما در آینده برنامه‌های جدیدی در این زمینه

منبع اسرائیلی!

روابط عمومی دفتر روحانی به جلی نامه نوشت

آن را حتی تأیید کند؟ اینکه برای به‌زم خود تخریب دکتر روحانی و تفکر اعتدالی و تعامل‌گرایانه به اسرائیلیات توسل جسته‌اند، عیار واقعی مدعیان را آشکار می‌کند. ۴- صداسیما سال‌هاست تبدیل به یک تریبون یک‌طرفه شده و امیدی به پاسخگویی در آن با عذرخواهی از آن نیست. ۴. نامه ارسال شده در ایام انتخابات ریاست‌جمهوری برای پاسخگویی به ادعاهای دروغ برخی کاندیداها در مناظره‌ها از سوی سازمان بی‌پاسخ ماند اما پاسخ دکتر روحانی به آنها خوشبختانه به نحو گسترده‌ای در فضای مجازی و رسانه‌های عمومی منتشر شد. دیگر دوران تک‌گویی و نشنیدن صدای دیگران گذشته است حتی اگر تنها رادیو تلویزیون انحصاری در کشور باشد و محفل سیاسی شکست‌خوردگان انتخاباتی و جریانات تندرو.

۵- آقای جلی! صداسیما نه تنها افتخار مرجعیت رسانه‌ای، وشوق و اعتماد اجتماعی و رضایت و تعداد بینندگان را از دست داده که با این راهی که رفته در رعایت اخلاق اسلامی نیز شکست خورده است. این تکاپوها برای دیده شدن و سکوت رضایت‌بخش در مقابل تخریب‌ها نه اعتباری برای شما و سازمانتان می‌آورد و نه اعتمادی می‌افزاید جز اینکه به همان اثبات کند که صداسیما نقش پوششی‌های انتخابات را ادامه و عصبانیت خود را از نتیجه انتخاب مردم بروز می‌دهد. گرچه همچنان حق شکایت برای طرح این ادعاهای خلاف واقع محفوظ است.

۲- صداسیما به فرموده حضرت امام خمینی(ره) «یک دانشگاه عمومی» است؛ چه بر سر این دانشگاه عمومی آمده که در آن به هر فرد بی‌اطلاع و جویای نامی تریون پخش زنده داده می‌شود تا انواع توهین‌ها و تهمت‌ها و دروغ‌ها را از صداسیمایی که با پول بیت‌المال اداره می‌شود، جهت رضای یک اقلیت سیاسی خاص طرح کند و برای دیده شدن خود و برنامه، شطحیات ازجمله دیدار دکتر روحانی با مقامی

اسرائیلی را بر زبان آورد و صداسیما نیز به راحتی از کنار آن بگذرد و بار دیگر به او و دیگر همفکرانشان تریون دهد تا دروغ‌های دیگری را بگویند. قرار است اعتبار از دست رفته صداسیما با این عقده‌گشایی‌های کارشناسان ساختگی و دروغ‌پردازی‌های افراد جویای نام احیا شود و این‌طور مردم تلویزیون را ببینند؟! صداسیمای خلاق و متعهد و اخلاقی آن سال‌ها کجا و این مسابقه حراج آبرو و دروغ و تهمت کجا! آن مناظره‌های درخشان ابتدای انقلاب بین برجسته‌ترین چهره‌های مذهبی و مارکسیست کجا و این کارشناس‌سازی‌ها و مخاطب‌تراشی‌ها کجا!» در ادامه موارد ذکر شده در نامه دفتر حسن روحانی چنین آمده است: «۳- کار صداسیما و «کارشناسان»! به کجا کشیده که یک روزنامه اسرائیلی منبع مورد وثوق آنها شده است! خبری چنین مهم چرا فقط در یک منبع اسرائیلی نوشته شده و طی این سال‌ها کسی نتوانسته



روابط عمومی دفتر حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران در دوره‌های یازدهم و دوازدهم در نامه‌ای خطاب به پیمان جلی، رئیس‌سازمان صداسیما به ادعای میهمان یکی از برنامه‌های تلویزیونی واکنش نشان داد. در این نامه ذکر شده است: «اخیراً در یکی از برنامه‌های زنده شبکه اول سیمای جمهوری اسلامی، یکی از میهمانان به‌اصطلاح کارشناس، مدعی مذاکره آقای دکتر حسن روحانی با مشاور نخست‌وزیر وقت اسرائیل در سال ۱۳۶۵ شده و استناد ایشان نیز به مقاله روزنامه اسرائیلی بیدعوت آحارونوت است». همچنین در این متن با ذکر ۵ مورد آمده است: «۱- اینکه ادعایی چنین سفیخ و مضحک، سال‌ها بعد از طرح آن توسط یکی از سخنرانان تندرو و محکومیت او در دادگاه به ۸ ماه حبس، چرا دوباره در صداسیما مطرح شده، سوالی است که پاسخ آن با توجه به رویه سابق این سازمان در تخریب دکتر روحانی، به‌ویژه در ایام انتخابات ریاست‌جمهوری اخیر قابل حدس است اما موضوع تاسف‌برانگیز اصرار صداسیما بر ادامه مسیر است که به تصورشان به تخریب رئیس‌جمهور دوره‌های یازدهم و دوازدهم کشور و تفکر اعتدالی نزد مردم هوشیار و شریف ایران منجر می‌شود که اگر رویه سیاسی این سازمان نزد مردم جایگاهی داشت که امروز باید فضای سیاسی کشور و انتخاب آنها و امورات اجتماعی طور دیگری می‌بود.



درخواست از طالبان

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران به مناسبت سالروز شهادت ۸ دیپلمات و خبرنگار ایرانی در مزارشریف از حکومت سرپرست افغانستان خواست، نتیجه بررسی‌ها درباره عاملان این جنایت را اعلام و مجازاتی که شایسته آنهاست را اعمال کند. وزارت خارجه کشورمان یادآوری کرد که «قطعنامه ۱۲۶۷ شورای امنیت سازمان ملل متحد، ایسن اقدام در مزارشریف را نقض آشکار قوانین بین‌المللی اعلام کرد».



تهدید پوتین

ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در واکنش به دفع عملیات نفوذ و حمله یک گروه «خرابکاری و تجسس» اوکراینی به مرزهای روسیه، آنرا «یک اقدام تحریک‌آمیز دیگر اوکراین در ابعاد گسترده» توصیف کرد و گفت: «کیف در این عملیات دست به گلوله‌باران کور زده و موشک‌هایش را به ساختمان‌های غیرنظامی و آمبولانس‌ها شلیک می‌کند». وزارت دفاع روسیه اعلام کرد، سرویس امنیت فدرال در مناطق کورسک مستقر شده‌اند.



بحران در انگلیس

ناآرامی‌ها در انگلیس (چهارشنبه) و در بحبوحه نگرانی‌ها از تحرکات راست افراطی در ۳۰ منطقه از کشور ادامه داشت. گاردین در این خصوص اعلام کرد که دولت انگلیس خود را برای احتمال بروز ناآرامی‌های بیشتر آماده کرده و فهرستی از ۳۰ منطقه منتشر شده که ممکن است هدف معترضان راست افراطی قرار گیرد. گفته شده بیش از ۴۰۰ نفر در شورش‌های اخیر در انگلیس بازداشت شدند.

معمار ۷ اکتبر

حماس «یحیی السنوار» را به عنوان رئیس جدید دفتر سیاسی این جنبش برگزید



فرشاد گلزاری

گروه بین‌الملل

پس از ترور اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس بسیاری از گمانه‌زنی‌ها به این سمت‌وسو رفت که چه کسی قرار است، جایگزین وی شود. در این راستا بسیاری بر این عقیده بودند که حماس به دلیل درگیر بودن با ارتش اسرائیل در جبهه جنوبی (غزه) فعلاً جایگزین هنیه را مشخص نمی‌کند و در این راستا، تمرکز خود را بر نبرد در این منطقه معطوف خواهد کرد. در این راستا برخی دیگر اینگونه تحلیل کردند که ظرف چند روز نمی‌توان جانشین وی را انتخاب کرد اما چندی بعد سه گزینه برای جایگزینی هنیه گمانه‌زنی شد.

گزینه اول «خالد مشعل»، رئیس پیشین دفتر سیاسی حماس بود. او از سال ۱۹۶۷ در اردن، قطر، سوریه و کشورهای دیگر در تبعید زندگی می‌کرد و پس از کشته شدن بنیان‌گذار حماس، احمد یاسین شناخته‌شده‌ترین رهبر حماس شد. مشعل در سال ۱۹۹۷ از یک ترور با مسمومیت در امان توسط ماموران موساد جان سالم به در برد. خالد مشعل که تا سال ۲۰۱۷ رهبری این گروه را بر عهده داشت از تجربه سیاسی و دیپلماتیک مورد قبولی برخوردار بود اما روابط او با جبهه مقاومت در سال‌های پس از ۲۰۱۱ چندان مطلوب نبوده است و البته باید دانست که او روابط خوبی با ترکیه و قطر دارد. بر همین اساس بسیاری از تحلیلگران اعتقاد داشتند که او به دلیل داشتن پتانسیل بالای سیاسی و تجارب کاری می‌تواند جانشین خوبی برای هنیه باشد.

گزینه دوم «خلیل الحیه» بود. او معاون دفتر سیاسی حماس به شمار می‌رود و در روزهای اخیر هم به صورت مستقیم برای اطلاع‌رسانی در مورد وقایع رخ داده، بارها نامش مطرح شده است. خلیل الحیه در سال ۲۰۰۶ ریاست بلوک پارلمانی حماس را بر عهده داشت که به تازگی در انتخابات پیروز شده بود که البته باید دانست چندین عضو خانواده خود را در عملیات نظامی اسرائیل از دست داده است. برخی از تحلیلگران غربی و عربی اعتقاد داشتند که خلیل الحیه مانند هنیه بر مسائل سیاسی تمرکز نداشته و بیشتر بر موضوعات نظامی متمرکز بوده و به همین دلیل گزینه خوبی برای جایگزینی به شمار نمی‌رود.

موسی ابومرزوق هم به عنوان گزینه سوم برای جایگزینی هنیه مطرح شده بود. او که ۷۲ سال سن دارد، یکی از اعضای ارشد دفتر سیاسی حماس به حساب می‌آید و مشهور است که در رویکرد عملگرایانه خود در مذاکرات، شباهت‌های زیادی با اسماعیل هنیه دارد. ابومرزوق به نوعی از پذیرش مرزهای فلسطینی که پس از جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۶۷ ترسیم شده بود، حمایت می‌کند و از سوی دیگر؛ در دهه ۹۰ میلادی در ایالات‌متحده زندگی می‌کرد و در آنجا به اتهام جمع‌آوری کمک‌های مالی دستگیر شد. او سپس در تبعید از جمله در اردن، مصر و قطر زندگی کرد اما با این وجود با تردید به وی نگاه می‌شود و به همین دلیل بسیاری از مفسران اعتقاد داشتند که وی به عنوان جایگزین هنیه انتخاب نخواهد شد.

این سه گزینه اگرچه در طول یک هفته گذشته و پس از ترور هنیه بارها و بارها از سوی رسانه‌های عربی و حتی عبری برای انتصاب به عنوان رئیس جدید دفتر سیاسی حماس مطرح شدند اما شامگاه سه‌شنبه خبری منتشر شد که فرای تصور بسیاری از مقامات و تحلیلگران سیاسی – امنیتی منطقه و

فرمانطقه بود و آن هم انتصاب «یحیی السنوار» به عنوان رئیس جدید دفتر سیاسی حماس بود.

یحیی السنوار کیست؟

اینکه سنوار دقیقاً یک هفته پس از ترور اسماعیل هنیه از سوی جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) به‌عنوان مسئول جدید دفتر سیاسی حماس انتخاب می‌شود به نوعی نشان از آن دارد که حماس تمام معادلاتی که طی ۷ روز گذشته از سوی رسانه‌های عربی، عبری و غربی مطرح شده را به‌شدت زیر ذره‌بین داشته و آنها را رصد کرده و حالا کارت خود، یعنی یحیی سنوار را در دقایقی که هیچ کس انتظارش را نداشت، رو کرده است.

واقعیت این است که سنوار نه تنها طی ۱۰ ماه گذشته که اسرائیل در غزه با حماس در جنگ علنی به سر می‌برد بلکه از مدت‌ها قبل یکی از اهداف اصلی ترور موساد و سایر اجزای منظومه اطلاعاتی اسرائیل بوده است. بارهاوبارها طی ۱۰ ماه گذشته شنیده شد که ارتش اسرائیل مدعی ترور وی در غزه شده اما باز هم این خبر از سوی حماس تکذیب شد و در نهایت سنوار به یک شبح غیرقابل دست یافتن در غزه برای اسرائیل تبدیل شد؛ حتی در برخی از مقاطع منابع اسرائیلی اعلام کردند که تونل‌های زیرزمینی حماس را در آب غرق کردند که به‌رغم اعلام تل‌آویو، دلیل اصلی این اقدام کشتن سنوار بود که باز هم موفق به این کار نشدند.

بسیاری از مقامات ارشد نظامی اسرائیل به انضمام کارشناسان امنیتی غرب بر این باور هستند که یحیی السنوار معمار و طراح اصلی عملیات توفان‌الاقصی است که به «عملیات ۷ اکتبر» هم معروف شده و به همین دلیل است که مجموعه امنیتی تل‌آویو همچنان بر حذف وی تأکید دارد. با این وجود باید دانست سنوار که سال ۱۹۶۲ در خان‌یونس به دنیا آمد، اغلب به عنوان یکی از سازش‌ناپذیرترین مقامات ارشد حماس معرفی شناخته می‌شود. او در اوایل دهه ۸۰ میلادی بارها توسط اسرائیل به دلیل مشارکت در فعالیت‌های ضداشغالگری در دانشگاه غزه دستگیر شد.

الجزیره در مورد کارنامه وی نوشته است که «سنوار پس از فارغ‌التحصیلی به ایجاد شبکه‌ای از فلسطینی‌ها برای مقاومت مسلحانه علیه اسرائیل کمک کرد که این گروه بعداً

به گردان‌های قسام که شاخه نظامی حماس شناخته می‌شود، تبدیل شد. سنوار در سال ۱۹۸۸ میلادی توسط اسرائیل دستگیر شد و به اتهام دست داشتن در دستگیری و کشتن دو سرباز اسرائیلی به چهار حبس ابد (معادل ۴۲۶ سال زندان) محکوم شد. او ۲۳ سال را در زندان اسرائیل گذراند و در آنجا زبان عبری را آموخت و با مسائل امنیتی و داخلی اسرائیل به خوبی آشنا شد. سنوار در سال ۲۰۱۱ به عنوان بخشی از توافق مبادله زندانیان در ازای آزادی گیلاد شالیت، سرباز اسرائیلی که توسط حماس اسیر شده بود، آزاد شد.

پس از آزادی، سنوار به سرعت دوباره در صفوف حماس پیوست و رشد کرد؛ تا جایی که در سال ۲۰۱۲ به عنوان عضو دفتر سیاسی این گروه انتخاب شد و وظیفه هماهنگی با گردان‌های قسام را بر عهده گرفت. او در حمله هفت هفته‌ای اسرائیل به غزه در سال ۲۰۱۴ نقش دوگانه سیاسی و نظامی ایفا کرد و سال بعد از آن (۲۰۱۵) ایالات‌متحده، سنوار را در فهرست ویژه تروریستی خود قرار داد. در نهایت او سال ۲۰۱۷ مسئول دفتر سیاسی حماس در غزه و جانشین هنیه در این منطقه شد که به همین دلیل بسیاری از منابع اسرائیلی و آمریکایی معتقدند که باید یحیی السنوار را «معمار ۷ اکتبر ۲۰۲۳» دانست!

با تمام این اوصاف و با نگاهی به کارنامه او می‌توان دریافت که حماس یک گزینه نظامی – سیاسی را برای جایگزینی اسماعیل هنیه انتخاب کرده است. انتخاب السنوار می‌تواند به این معنا باشد که حماس به عنوان عنصر درگیر با ارتش اسرائیل در غزه حالا یکی از کلیدی‌ترین مَهرهای خود را از پشت پرده روی صحنه سیاست آورده است تا به تل‌آویو اعلام کند که در حین جنگ هم می‌توانند مذاکره کنند و اگر این روند باز هم به بن‌بست برسد، جنگ به صورت دیگری حتی قوی‌تر از گذشته ادامه دارد.

از منظری دیگر باید توجه داشت که انتخاب السنوار برای اسرائیل یک پیام مخرب دیگر در درون خود دارد؛ چراکه یکی از اهداف اصلی ارتش و دستگاه اطلاعاتی زیر نظر تل‌آویو این بود که حماس را به صورت کلی محو و ریشه‌کن کند و حالا انتخاب وی پیامی از سوی حماس است مبنی بر اینکه او زنده است و رهبری حماس در غزه همچنان به حیات خود ادامه خواهد داد.

دیدگاه: گزارش خارجی

برنده نوبل در بنگلادش

محمد یونس، رئیس دولت موقت بنگلادش شد

محمد یونس، اقتصاددان و بانکدار برنده جایزه نوبل صلح پس از استعفای شیخ حسینه، نخست‌وزیر سابق بنگلادش و فرار او به هند به عنوان رئیس دولت موقت این کشور معرفی شد. یونس ۸۴ ساله که از او به عنوان «بانکدار فقر» نام برده می‌شود، یک کارآفرین اجتماعی است که در سال ۲۰۰۶ به دلیل فعالیت در زمینه بازارهای خرد که باعث کاهش فقر در بنگلادش شد، جایزه نوبل صلح را دریافت کرد. او همچنین یکی از مخالفان قدیمی شیخ حسینه، نخست‌وزیر سابق بنگلادش بوده است. شیخ حسینه که قدرت در بنگلادش را برای ۱۵ سال متوالی در اختیار داشت، این هفته و پس از اعتراض‌های مرگبار در کشورش از مقام خود استعفا داد و به هند فرار کرد. فرار شیخ حسینه از بنگلادش باعث شادی جنبش دانشجویی این کشور شد که او را وادار به استعفا کرده بود اما معترضان همچنان نگران بودند که ارتش برای پر کردن خلأ قدرت وارد عمل شود. برخی از منابع اعلام کرده‌اند که محمد یونس اکنون برای یک کار شخصی در فرانسه به سر می‌برد و به زودی به بنگلادش بازخواهد گشت تا ریاست دولت موقت این کشور را بر عهده گیرد. جنبش دانشجویی علیه تبعیض در بنگلادش اعلام کرد که محمد یونس به درخواست دانشجویان معترض مبنی بر پذیرش ریاست دولت موقت بنگلادش موافقت کرده است.

براساس اطلاعات منتشر شده از سوی منابع، محمد یونس در سال ۱۹۴۰ در شهر بندری چیتاگونگ در جنوب شرقی بنگلادش به دنیا آمده است. او در دانشگاه داکا تحصیل کرده سپس موفق به دریافت بورسیه معتبر فولبرایت شده است تا در دانشگاه وندربیلت آمریکا تحصیل کند، دانشگاهی که دکتری اقتصاد خود را از آنجا دریافت کرد.

در سال ۱۹۷۲ یک سال پس از استقلال بنگلادش از پاکستان، او به کشورش بازگشت و به تدریس در دانشگاه چیتاگونگ پرداخت اما به زودی فاجعه‌ای بزرگ در بنگلادش رخ داد؛ به‌گونه‌ای که در سال ۱۹۷۴ قحطی شدیدی کشور را فرا گرفت و حدود یک میلیون ۵۰۰ هزار نفر را از بین برد. یونس هنگام دریافت جایزه نوبل در سال ۲۰۰۶ گفت در آن زمان احساس کرده است که «نظر به‌های زیبا و پیچیده اقتصادی»، «تهی و بی‌ارزش» هستند. او گفت که در آن زمان فقط به دنبال آن بود تا کاری فوری انجام دهد تا به مردم اطرافش کمک کند. او با اعطای وام‌های کوچک به فقیرترین ساکنان کشورش از جیب خود شروع کرد و در نهایت با تأسیس بانک «گرامین» در سال ۱۹۸۳ به یک پیشروی جهانی در کاهش فقر از طریق وام‌های خرد تبدیل شد. این بانک به سرعت رشد کرد و اکنون شعب مختلف و مدل‌های مشابه آن در سطح جهانی فعال هستند.

یونس و بانک گرامین در سال ۲۰۰۶ جایزه نوبل صلح را دریافت کردند و این زمانی بود که در مجموع حدود ۶ میلیارد دلار را برای وام‌های مسکن، دانشجویی و مشاغل خرد به ویژه برای حمایت از زنان بنگلادشی اختصاص داده بودند. او همچنین بنیان‌گذار مرکز یونس در داکاست که به توسعه کسب‌وکارهای اجتماعی جدید کمک می‌کند. برخی از منتقدان، بدبینانه به یونس و بانک گرامین نگاه کرده و استدلال می‌کنند که نرخ‌های بالای بهره برخی وام‌دهندگان خرد باعث شده که وام‌گیرندگان به فقر دچار شوند، درحالی که وام‌دهندگان از دریافت بهره‌های بالا در ازای اعطای وام‌های کوچک سودهای کلانی به دست آورده‌اند. یونس با رد این ادعاها می‌گوید که بانک گرامین هدفی برای کسب سود ندارد بلکه هدفش کمک به فقر و توانمندسازی کسب‌وکارهای کوچک است. محمد یونس در طول سال‌ها بارها با شیخ حسینه، نخست‌وزیر سابق بنگلادش درگیر شده و او را به «مکیدن خون فقر» متهم کرده بود.

یورونیوز





سال هفتم شماره ۱۷۵۹
پنج‌شنبه ۱۸ مرداد ۱۴۰۳

کافه

تازه‌های ادبیات و هنر

دریچه: تحلیل عادات

گریز از ریسک

نتایج ریسک‌پذیری در زندگی فردی و اجتماعی



حسن محرابی
پژوهش‌گر

شخصیت هیچ کس در طول زمان یکسان باقی نمی‌ماند بلکه پیوسته در تغییر و تحول است. چگونگی این تغییر و تحول البته به خصوصیات محیطی که شخص در آن به سر می‌برد، نوع تعلیم و تربیتی که می‌بیند، افکار، عادات، عقاید، احساسات و عواطفی که در جریان زندگی پیدا می‌کند، بستگی دارد. در حقیقت تغییر بخشی اجتناب‌ناپذیر از زندگی است و اغلب نوید رشد، نوآوری و فرصت‌های جدید را به همراه دارد اما این تغییر به خودی خود اتفاق نمی‌افتد بلکه انسان تغییر را باید بخواهد و البته با کمی ریسک این تغییر را در زندگی‌اش انجام دهد. عبارت «اگر ریسک نکنید، هیچ چیز تغییر نخواهد کرد» حقیقتی است اساسی در مورد پیشرفت انسان‌ها در جامعه و به صورت شخصی؛ با این حال غالباً وقتی کار به مرحلهٔ ریسک که می‌رسد بسیاری از مردم به اصطلاح جا می‌زنند و از ریسک‌گریزان می‌شوند زیرا ریسک‌پذیری پدیده‌ای فراگیر اما در عین حال بحث‌برانگیز در زندگی انسان است. در چنین وضعیتی بیشتر افراد بهانه گرفته و مثلاً می‌گویند ریسک مختص قماربازان، چتربازان و بانکداران است!

البته این گریز از ریسک تا حدودی طبیعی است زیرا ما تمایل داریم به وضعیتی که داریم، پایبند باشیم چراکه احساس امنیت و راحتی می‌کنیم. با این حال، رشد و پیشرفت واقعی فراتر از مرزهای مناطق آسایش ما قرار دارد. ریسک کردن مستلزم آن است که به سوی ناشناخته‌ها قدم بگذاریم، جایی که می‌توانیم نقاط قوت و قابلیت‌های جدیدی که هرگز نمی‌دانستیم داریم را کشف کنیم.

در حقیقت ترس از تغییر منجر به رکود می‌شود که در مقابل پیشرفت است زیرا رکود دشمن پیشرفت است. بدون تمایل به ریسک، ما در معرض خطر از خود راضی شدن و گرفتار شدن در چرخهٔ یک‌نواختی هستیم. از سوی دیگر، ریسک کردن ما را به جلو سوق می‌دهد و زندگی ما را پویا و هیجان‌انگیز نگه می‌دارد. به عنوان یک نمونه بدیهی می‌توان به موضوع نوآوری اشاره کرد. نوآوری ناشی از تمایل به چالش کشیدن وضعیت موجود و کشف قلمرو ناشناخته است. نوآوری چه در حوزهٔ علم، فناوری، کسب‌وکار یا توسعه شخصی باشد. زمانی که افراد و سازمان‌ها ریسک‌های حساب‌شده‌ای را انجام می‌دهند، رشد می‌کنند. تاریخ دستاوردهای بشری با اشخاص ریسک‌پذیری مشخص شده که جرأت داشتند، متفاوت فکر کنند.

بنابراین وقتی ریسک‌های حساب‌شده را می‌پذیریم، درها را به روی فرصت‌های جدید و پادشاه‌های بالقوه باز می‌کنیم. این یک فرد ریسک‌پذیر است که فرصت‌ها را شناسایی کرده و از آن‌ها استفاده می‌کند، خود را به جلو می‌برد و تغییرات مثبت ایجاد می‌کند. البته غلبه بر ترس و عدم اطمینان ریسک کردن بدون چالش نیست. ترس و بلاتکلیفی می‌توانند دشمنان بزرگی باشند. با این حال روبه‌رو شدن با این احساسات می‌تواند، تمرین قدرتمندی در رشد شخصی باشد. ما با رویارویی با ترس‌ها و عدم قطعیت‌های مان، انعطاف‌پذیری و سازگاری را توسعه می‌دهیم که از مهارت‌های حیاتی در زندگی هستند. در اینجا اشاره به یک نکته ضرورت دارد. بدین معنی که درس گرفتن از شکست در ریسک‌پذیری ضرورت دارد زیرا ریسک هر بار موفقیت را تضمین نمی‌کند. در واقع، شکست بخشی ذاتی از فرآیند است. با این حال شکست پایان کار نیست. معلم ارزشمندی است هر شکست درس‌ها و بینش‌هایی را ارائه می‌دهد که می‌تواند ما را به سمت تصمیم‌گیری‌های آگاهانه‌تر و در نهایت موفقیت راهنمایی کند. این درس منجر به ایجاد اعتماد به نفس در زمانی می‌شود که ریسک می‌کنیم. در نهایت، ریسک کردن می‌تواند منجر به احساس رضایت عمیق شخصی شود. در تعقیب رویاها و آرزوهای مان به‌رغم خطرات ذاتی است که اغلب عمیق‌ترین معنا و رضایت را در زندگی می‌یابیم. در هر حال تمایل به ریسک کردن بر تصمیمات مهم اقتصادی و غیراقتصادی ازجمله مهاجرت، طبقه‌بندی شغلی، رفتارهای مرتبط با سلامت و انتخاب‌های آموزشی تأثیر می‌گذارد. البته این تغییرات هنگامی رخ می‌دهد که متخصصان و برنامه‌ریزان نیز درک درست و دقیقی از ریسک‌پذیری و تغییر در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و در مجموع ابعادی بزرگ‌تر و در حوزهٔ جامعه را داشته باشند.



انتشار رمان ناتمام

آخرین رمانی که زورا نیل هرستون، انسان‌شناس و نویسندهٔ فقید آمریکایی نوشته پس از ۶۵ سال منتشر خواهد شد. نویسندهٔ رمان مشهور «چشم‌ان‌ها به خدا می‌نگریست»، زمانی که در سال ۱۹۶۰ درگذشت، هنوز نگارش دنباله‌ای برای رمان «موسی، مرد کوهستان» که در سال ۱۹۳۹ میلادی منتشر شده بود را به پایان نرسانده بود. دنبالهٔ این رمان که «زندگی هرو» نام دارد در ژانویهٔ ۲۰۲۵ روانه بازار خواهد شد.



شعر مشروطه‌زنده است

کامیار عابدی: با وجود گذشت بیش از یک سده از شعر مشروطه هنوز در ذهن ما زنده و جوان و امروزی جلوه می‌کند در حالی که بسیاری از ادوار و گروه‌های بعدی شعرگویی جز در ذهن تعدادی از محققان یا شاعران در ذهن مخاطبان به فراموشی نسبی سپرده شده است. در دورهٔ مشروطه شاعرانی که صدای زمانه را شنیدند و همراه زمان پیش آمدند، تأثیرگذارتر شدند.



کینه‌توزی روسی

محمدرضا جواد ی بگانه: غیر از سفرنامه‌های روسی که در مورد ایران با کینه‌توزی برخورد می‌کند، بقیه نگاه‌شان ترکیبی از مثبت و منفی است. البته ممکن است نگاه‌شان منفی باشد اما دروغ‌نگفته‌اند چون مخاطبشان ایران نبوده است. این انتظار از سفیر انگلستان که بخواهد همواره مثبت بیان کند هم اشتباه است. ممکن است کسی که به ایران می‌آید، اغراض دیگری داشته باشد. باید انتظارات‌مان را از سفرنامه‌ها معقول کنیم.

تعهد به ادبیات

روایت موسی اسوار از نیم قرن فعالیت ادبی و فرهنگی‌اش



فکر می‌کنیم که این حمله باعث شد، تمدن ما از بین برود یا دچار قهقرا شود که این تصور به علل مختلف تاریخی نادرست است. زیرا فقط حملهٔ اعراب به ایران نبود. در طول تاریخ چهارم حمله بزرگ در ایران اتفاق افتاد که یکی از آن‌ها حملهٔ اعراب بود ما آن سه‌تای دیگر که اتفاقاً مهلک‌تر از این حمله بودند را فراموش کرده‌ایم. مهلک‌تر از همه حملهٔ اسکندر به ایران بود. کشتاری که اسکندر در ایران کرد و آثار زیان‌بار و آسیب‌های ویران‌گر و مهلک لشکرکشی او به ایران در هیچ حملهٔ تاریخی نبوده است. حملهٔ دیگر حملهٔ مغول‌ها به ایران است. این حمله بسیار مخرب‌تر از حمله اعراب بود. باز اعراب اهل کتاب بودند و فقط می‌خواستند، اسلام و فرهنگ اسلامی را در ایران جا بیندازند. قوم مغول بی‌فرهنگ بود، تمدنی نداشت. شارل دوگل جمله خوبی دارد و می‌گوید «مهم‌ترین عامل در ساختن تاریخ، جغرافیاست». ما نمی‌توانیم جغرافیای خودمان را انکار کنیم. چه بخواهیم و چه نخواهیم در این جغرافیا زندگی می‌کنیم. در این جغرافیا دوروبر ما این فرهنگ‌ها و زبان‌ها و نژادها و کشورها هست. اتفاقاً به لحاظ سرشت و خلق و خو و طبیعت خیلی به آن‌ها نزدیک‌تر هستیم و مشترکات بسیاری با این اقلیم داریم اما از آن غفلت کرده‌ایم در عوض هرچه از مغرب زمین می‌آید، آن را ترجمه می‌کنیم و برایش سسر و دست می‌شکنیم. تمدن مغرب زمین را کسی نمی‌تواند انکار کند یا از آن بهره‌مند نشود ولی نباید از وجوه فرهنگی تابناک اقلیم خود، غافل شویم. چطور خود مغرب زمین به آن توجه می‌کند، جایزهٔ نوبل را به «نجیب محفوظ» می‌دهد؟ اما ما از آن غافلیم و خبر نداریم. البته فقط بحث زبان عربی نیست، تا وقتی که اورهان پاموک در غرب مطرح نشده و جایزه نگرفته بود، توجه چندانی به ادبیات ترک نداشتیم. در چند دههٔ اخیر هم‌زمان به ادبیات ترکیه و ادبیات عربی توجه می‌کنیم. ولی خبر نداریم در پاکستان چه اتفاقی می‌افتد. با این اقلیم وجوه مشترک داریم و باید به آن توجه کنیم. این خودباختگی در قبال مغرب زمین باعث شده از این جلوه‌های تابناک که به ما نزدیک‌ترند، غافل باشیم. محیط، شخصیت‌ها و طبایع آدم‌ها در زمان‌هایی که از این زبان‌ها ترجمه شده، خیلی ایرانی است و خیلی چیزها مشترک است.

شورا به مدت ۱۸ سال دبیر شورا بودم و ۶ سال آخر هم ریاست شورا را به عهده گرفتم، مجموعاً ۲۴ سال مسئولیت شورای عالی و ویرایش را داشتم. زمینهٔ مطالعاتی‌ام باعث شد تا کار ادبی و خلاقه‌ام، ترجمه در زمینهٔ ادبیات باشد. البته خودم هم دستی در کارهای ادبی داشتم. شعر کلاسیک و شعر نو می‌گفتم اما به عنوان ویراستار و مترجم شناخته‌تر شدم.»

خلأ ادبیات عرب معاصر در ایران

موسی اسوار در بخش دیگری از این گفت‌وگو دربارهٔ وضعیت ترجمهٔ آثار ادبی عربی به فارسی می‌گوید: «با وجود این‌که با زبان عربی بیش از هزار سال است که ارتباط داریم آثاری که از این زبان به‌خصوص در حوزهٔ ادبیات معاصر ترجمه می‌شود یا نشده، خیلی خیلی کمتر از آثاری است که از زبان‌های فرنگی ترجمه شده است. خلأ ادبیات معاصر زبان عربی در ایران بسیار بزرگ است. البته باید بگویم زبان عربی چنان تحول یافته که کسانی که آموزش سنتی این زبان را در ایران دیده‌اند، توانایی ترجمه در این زمینه را ندارند و این موضوع چیز طبیعی است. از آن‌جا که به ادبیات تعهد داشتیم، حس می‌کردم باید در این زمینه، کاری بشود و باید این خلأ را ترمیم کنیم. در واقع دیگران هم باید پای کار بیایند و کمک کنند تا عرصه برای زبانی که بیش از هزار سال با آن ارتباط داشتیم و زبان اقلیم دوروبر ماست و وجوه مشترک متعددی با فرهنگ ما دارد، خالی نباشد. ترجمه بیشتر و قتم را گرفت و قدری از شاعری فاصله گرفت. البته مرور زمان هم بود. هرچند هنوز هم آن پارهٔ اخگر در وجودم هست و گاهی شرارهای می‌زند و تابش ولو خفیفی دارد که در جاهای مختلف مثلاً محافل خصوصی حاصل آن خوانده می‌شود.»

اسیر یک ذهنیت تاریخی

او در ادامه دربارهٔ علل کم‌توجهی به ادبیات معاصر عرب در ایران می‌گوید: «بی‌توجهی جامعهٔ ما به ادبیات عربی، دغدغهٔ بسیاری از کسانی است که در این زمینه در ایران کار می‌کنند. در این زمینه اسیر یک ذهنیت تاریخی هستیم. در واقع به لحاظ تاریخی حمله اعراب به ایران را اساس مشکلات خود می‌دانیم. در ناخودآگاه خود به این موضوع

موسی اسوار، نویسنده و مترجم نام‌آشنای زبان عربی که وسواس بسیاری در ویراستاری دارد، امسال پا به ۷۲ سالگی می‌گذارد. اسوار ادبیات را سرنوشت خود می‌خواند و رضایت‌مندی‌اش از این سرنوشت در حدی است که در گفت‌وگوی مفصلی که با ایسنا داشته، می‌گوید اگر خداوند عمر دوباره‌ای به او بدهد باز همین مسیر را طی خواهد کرد. سرنوشت او با سرون شعر به عربی شروع می‌شود و با ویراستاری و ترجمه از زبان عربی ادامه پیدا می‌کند و بیشتر از شاعری به ترجمه و ویرایش شهرت پیدا می‌کند.

زیست دوگانه

اسوار دربارهٔ داستان گرایشش به زبان و ادبیات عرب می‌گوید: «کلاً علقهٔ قلبی‌ام به ادبیات بوده و هست. مجموعه‌ای از عوامل اعم از خصوصیات ارثی و محیط و تحصیلات و عوامل پیرامونی در من اثر گذاشت و من را در این راه قرار داد. این راه را می‌پسندم زیرا متناسب با ذوق و علایق من است. اما این‌که چرا زبان عربی مورد توجه من قرار گرفت؟ باید بگویم زیست دوگانه‌ای داشتم. متولد کربلا هستم، نوجوانی و تحصیلات ابتدای‌ام در کشور عراق سپری شد؛ البته کلاس اول را در مدرسهٔ ایرانی‌ها گذراندم و تحصیلاتم را به زبان فارسی شروع کردم اما بعد در مدارس رسمی کشور عراق ادامه تحصیل دادم. سیکل اول و ابتدای سیکل دوم دبیرستان را هم در آن‌جا به زبان عربی آموزش دیدم. حسنی که آموزش در عراق داشت این بود که زبان انگلیسی را از دوران ابتدایی شروع می‌کردند و این موضوع در تقویت پایهٔ زبان انگلیسی‌ام مهم بود. از دورهٔ ابتدایی مطالعه را شروع کردم که مطالعاتم به اقتضای سنم سنجیده نبود. پدر و مادرم هم سواد قرآنی داشتند. حافظه‌ام را از مادر بزرگ مادری‌ام به ارث برده‌ام. حافظهٔ قوی‌ای داشت. در دوران کودکی‌ام، شعر سعدی و مولانا که در حاشیهٔ سفره قلم‌کار اصفهان، نقش بسته بود را می‌دیدم و مادر بزرگم نیز شعر سعدی و حافظ را تکرار می‌کرد و این‌ها در ذهن من نقش می‌بست و علاقه‌ام را به ادبیات تقویت می‌کرد. هرچند در آن زمان مطالعاتم در شعر فارسی اندک بود. از ۱۶ سالگی شروع به سرودن شعر عربی کردم. شعر کلاسیک می‌گفتم و بعد سراغ شعر نو رفتم. دبیری داشتم که دستم را گرفت و در این راه خیلی کمک و راهنمایی‌ام کرد از این نظر خودم را مدیون و وامدار او می‌دانم. علاقه به ادبیات در وجود من نهادینه شد و در دوره دبیرستان گرایش به ادبیات در من تثبیت شد. از دورهٔ دبیرستان که علاقه‌ام به ادبیات تثبیت شد، مطالعاتم در این حوزه به شکل تمام‌وقت بود. دیلم طبیعی گرفتم اما در کنکور سراسری در گروه دیگری ثبت‌نام کردم و در رشتهٔ علوم تربیتی پذیرفته شدم. کارشناسی‌ام در دانشگاه اصفهان بود و کارشناسی ارشد را در دانشگاه تهران در رشتهٔ تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت گذراندم. بعد از فارغ‌التحصیلی از زمینهٔ تحصیلی‌ام منقطع شدم چون گرایش قلبی‌ام چیز دیگری بود و در آن سال‌ها مطالعاتم در آن زمینه‌ها بود. البته حق مطالعات دانشگاهی را به اقتضای دروس دانشگاهی ادا می‌کردم؛ اما علاقه‌ام به ادبیات مرا به سمت خود کشید و زمینهٔ کاری‌ام متفاوت با زمینهٔ تحصیلی‌ام شد.»

اسوار در مورد فعالیتش در حوزهٔ ویرایش و ترجمه گفته است: «زمینهٔ کاری من بیشتر ویرایش بوده است. سال‌های خدمتم در سازمان‌های انتشاراتی بود و من ویراستار، کارشناس کتاب و عضو شورای کتاب بودم. بعداً شورای عالی ویرایش در صدا و سیما تشکیل شد و از بدو تأسیس



تقدیر از کیت وینسلت

کیت وینسلت، بازیگر بریتانیایی برنده اسکار در بیستمین جشنواره فیلم زوریخ، جایزه آیگون طلایی را دریافت خواهد کرد. وینسلت به معرفی فیلم زندگی‌نامه‌ای «لی» به کارگردانی آلن کوراس می‌پردازد که با تمرکز بر زندگی مدل لباسی ساخته شده که نامش با عنوان لی میلر عکاس تحسین شده جنگ در تاریخ ثبت شد. در مراسم اهدای جایزه آنتونی پتروز پسر لی میلر نیز حاضر خواهد بود.



درگذشت مدیر برنامه ستارگان

جی کانتر، مدیر برنامه‌های مارلون براندو، مریلین مونرو و گریس کلی که از مدیران تولید هالیود بود، در ۹۷ سالگی درگذشت. وقتی فقط ۲۲ سال داشت، مسئول آوردن براندو از ایستگاه قطار به استودیو شد و از همان جا این دو با هم دوست شدند و براندو به مشتری دیرینه وی بدل شد. او در ادامه کارش نماینده چهره‌های دیگری از جمله وارن بیتی، جین کلی و رونالد ریگان شد.



ساخت سریال جان ویک

سریال تلویزیونی ادامه فیلم‌های «جان ویک» درحال حاضر در تلویزیون لایزنگیت در دست ساخت است. هنوز هیچ شبکه یا سرویس پخش‌ی حقوق این سریال را به دست نیاورده و پروژه در اختیار کمپانی لایزنگیت است. داستان این مجموعه با عنوان «جان ویک: زیر میز بالا» بلافاصله پس از وقایع «جان ویک: فصل ۴» شروع می‌شود. کیانو ریوز و جاد استاهلسکی کارگردان فیلم‌های «جان ویک» تهیه‌کننده اجرایی هستند.

بر باد رفته

یادگار جنوب نمونه‌ای از یک تلاش دسته‌جمعی از دست‌رفته است

«یادگار جنوب» به کارگردانی و نویسندگی حسین دوماری و پدرام پورامیری یکی از فیلم‌های کنجکاوی‌برانگیز جشنواره چهل‌ویکم فیلم فجر بود. چهره‌های شاخصی به عنوان بازیگر در این فیلم حضور داشتند و سازندگانش هم به واسطه آثار موفق قبلی آنقدر شناخته شده بودند که تماشاگران و منتقدان برای دیدن فیلم تازه آنها اشتیاق و هیجان داشته باشند. اما این اشتیاق دیری نپایید و وقتی فیلم به اکران درآمد، منتقدان با هم هم‌نظر شدند که نمی‌توان «یادگار جنوب» را در ادامه موفقیت‌های سازندگان این اثر دانست.

یادگار جنوب بعد از فیلم «جاندار» دومین تجربه کارگردانی حسین دوماری و پدرام پورامیری است. این دو کارگردان جوان با همان فیلم اول‌شان ثابت کردند که در زمینه ساخت تریلرهای اجتماعی تسلط کافی دارند. آنها نگارش دو اثر پرطرفدار «شانی پروانه» و سریال «یاغی» را در کارنامه خود دارند. این دو از تیم نویسندگان سریال «یاغی» هستند که هفته‌های بسیاری توانستند، مخاطبان را با داستان‌شان همراه کنند. «جاندار» در سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر نامزد دریافت سیمرغ بلورین بهترین فیلم بخش نگاه نو شد و از سوی مخاطبان و منتقدان مورد تحسین قرار گرفت. «یادگار جنوب» در فجر چهل‌ویکم نامزد ۹ سیمرغ ازجمله بهترین فیلم و بهترین فیلمنامه بود اما نهایتاً برای دو رشته «طراحی لباس» و «صداگذاری و صداپردازی» برنده جایزه شد و پژمان جمشیدی هم به عنوان بهترین بازیگر نقش مکمل مرد دیپلم افتخار گرفت.

«یادگار جنوب» داستان وحید (وحید رهبانی) است که عاشق شیدا خواهر دوست صمیمی خود صالح (پژمان جمشیدی) می‌شود و می‌خواهد با او ازدواج کند اما با مخالفت وی روبه‌رو می‌شود. صالح می‌خواهد به زور شیدا را به عقد مردی دیگری درآورد اما شیدا در مراسم عقد خودکشی می‌کند و وحید پیکر نیمه‌جان او را به بیمارستان می‌رساند و درحالی که شیدا در کماست و دکترها هم امیدی به بهبودش ندارند با او صیغه ۹۹ ساله می‌بندد به امید اینکه سرانجام به هوش بیاید. از سوی دیگر، وحید برای انتقام، صالح را که قاچاقچی است به پلیس لو می‌دهد. فیلم با رویای وحید و شیدایی که صورتش دیده نمی‌شود، آغاز شده و خیلی زود هم به نقطه عطف نخست می‌رسد. جایی که وحید با کسب اجازه از پدر شیدا (عمو حیدر)، شیدایی به کما رفته را عقد می‌کند. در عین حال اطلاعاتی هم درباره صالح برادر شیدا در خلال دیالوگ‌های ردوبدل شده بین حیدر و وحید به تماشاگر داده شده که تماشاگر را از آنچه قرار است اتفاق بیفتد، باخبر کند. فیلمنامه‌هایی که به روش غیرخطی نوشته می‌شوند همواره با ریسک پس‌زده شدن توسط مخاطب عام مواجه هستند اما مشکل «یادگار جنوب» فیلمنامه غیرخطی آن نیست. مشکل از آنجا آغاز می‌شود که سازندگان آن تصور می‌کنند هر چقدر خرده‌داستان‌ها و گره‌های روایت را بیشتر کنند، موفق خواهند بود اما این افراط در داستان‌پردازی و حجیم کردن داستان به ضرر فیلم تمام شده و ذهن تماشاگر را مملو از خرده‌روایت‌هایی می‌کند که از تعقیب داستان اصلی بازمی‌دارد. قرار است مخاطب تا آنجا که ممکن است در گیتی و سردرگمی بماند. سازندگان فیلم در نشست خبری آن به صراحت اعلام کردند: «بزار به بارم به کاری بکنیم شبیه بقیه نباشه!» اما این شبیه نبودن قرار است چه دردی از فیلم درمان کند. اینکه اثر تازه‌ای خلق کردیم که شبیه دیگر آثار سینمای ایران نیست به تنهایی می‌تواند فضیلت و امتیازی برای «یادگار جنوب» به حساب آید؟ مخاطب عام سینما که به این چیزها



بگذارند و داستان تازه‌ای را در فضایی متفاوت تجربه کنند. اما نتیجه نشان داد که آنها بهتر است در همان فضایی که آن را به خوبی می‌شناسند و آن را آزمودند، ادامه کار دهند. چراکه شخصیت‌ها و روابط آن را به خوبی می‌شناسند و می‌توانند روایت را با خرده‌داستان‌های به اندازه و معقول بنویسند و فارغ از خطی و غیرخطی بودن آن در پی به رخ کشیدن توانایی خود در نوشتن فیلمنامه و ایجاد تعلیق‌های زیادی نیستند.

نکات مثبت این فیلم را می‌توان در فضاسازی و طراحی صحنه و لباس دانست. گریم متفاوت صابیر ابر در «یادگار جنوب» مخاطب را تا مدتی از نمایش فیلم غافلگیر می‌کند. اینجا هم سازندگان تلاش کردند آنقدر متفاوت باشند که همه را حیرت‌زده کنند اما واقعاً بازی کوتاه ابر با این گریم که آنقدر سنگین بود که گاهی هنگام اجرای گریم بیهوش می‌شد، چقدر در فیلم تاثیرگذار است و ایجاد تفاوت می‌کند؟ اگر ابر با گریمی سبک‌تر در فیلم بازی می‌کرد، این نتیجه حاصل نمی‌شد. تماشاگر حتماً باید با چنین گریمی متوجه تفاوت بازی او و شخصیتی که ایفا می‌کند، شود؟

«یادگار جنوب» با وجود حسن‌هایی که دارد و می‌توان آن را در رده فیلم‌های متوسط سینمای ایران ارزیابی کرد اما بیشتر شبیه به تلاش‌های از دست‌رفته‌ای می‌ماند که با وجود سختی‌هایی که سازندگان و عوامل آن بر خود مرتب دانستند به نقطه‌ای که باید نرسیده و این تلاش‌ها به باد رفته است. در واقع «یادگار جنوب» بیش از هر چیز یادآور مثل معروف آفتابه لگن هفت دست... است. چراکه همه چیز ازجمله بودجه، بازیگران شاخص، طراحی صحنه، لباس و... مهیا بود تا اثری ماندگار در سینمای ایران ساخته شود اما فیلم تا رسیدن به این رتبه فاصله دارد و همه سرمایه و امکانات هدر رفته و «یادگار جنوب» تبدیل به فیلمی مغشوش و مطول شده که تماشاگر را راضی نکرده و او را همراه خود نمی‌کند.

گزارش شبکه خانگی

بازیگران زن به جوکر آمدند

با وجود مخالفت ساترا، قسمت تازه منتشر شد

اولین قسمت از فصل جدید «جوکر» با حضور بانوان در شبکه نمایش خانگی منتشر شد. بعد از گذشت سه سال از آغاز انتشار برنامه «جوکر» احسان علیخانی، فصل جدید این برنامه این بار با حضور بانوان چهارشنبه ۱۷ مرداد در شبکه نمایش خانگی منتشر شد. این برنامه در مقطعی به دلیل حضور صرف مردان با انتقادهایی همراه بود که احسان علیخانی در پایان فصل اول «جوکر» درباره دلیل غیبت زنان در این برنامه این چنین توضیح داده بود: «اگر شرایطش فراهم باشد و اجازه‌اش صادر بشود کاملاً آمادگی این کار را داریم. موانع و محدودیت‌ها زیاد است و فضا پر از سوء تفاهم‌هایی است که هیچ‌کدام از ما به آنها فکر نکردیم. اگر مخاطب بداند چقدر چارچوب‌های ما محدود است ما را می‌پذیرد. یک کم چارچوب‌ها را باز کنند خیلی کارها می‌شود، کرد».

علیخانی سرانجام در این فصل از شرکت‌کنندگان زن برای حضور در این رئالیتی‌شو دعوت کرد. ژاله صامتی، ناهید مسلمی، سوسن پرور، ترگس محمدی، الیکا عبدالرزاقی، رویا میرعلمی، گیتی قاسمی و متین ستوده شرکت‌کنندگان تازه این برنامه هستند. در فصلی که منتشر شد «جوکر» تا قسمت سوم با اقبال مواجه شده و در عین حال انتقادهای جدی نسبت به برخی شوخی‌های آن شکل گرفت؛ برنامه‌ای که کودکان و نوجوانان نیز جزو مخاطبانش هستند و این اتفاق هشدار ساترا را هم به همراه داشت. بازیگرانی چون محمدرضا علیمردانی، سیدجواد رضویان، نیما شعبان‌نژاد، نصرالله رادش، بهرنگ علوی، امیرحسین رستمی، هادی کاظمی و مجید مظفری تاکنون در این فصل از «جوکر» حضور داشتند. انتشار جوکر با حضور بانوان درحالی صورت گرفت که سازمان تنظیم مقررات رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی به تازگی اعلام کرد که برخی قسمت‌های «جوکر ۲» فاقد مجوز انتشار و مورد تایید ساترا نیست. ساترا به تازگی درباره انتشار برخی قسمت‌های آن و در واکنش به انتقادات مردمی اعلام کرد: «نظر به تماس‌های مردمی با سازمان تنظیم مقررات رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی (ساترا) با موضوع انتقاد از برخی بخش‌های برنامه جوکر ۲ به اطلاع می‌رساند، برخی بخش‌های منتشر شده در سریال جوکر ۲ که برخلاف فرهنگ اسلامی ایرانی و منافی عفت و حیای عمومی است مورد تایید ساترا نیست. لذا مجوز انتشار صادر نشده و به تیم تولیدکننده ابلاغ شده است که باید محتوا را اصلاح کند و در صورت ادامه این روند برای ادامه تولید این سریال مجوز صادر نخواهد شد». حالا مشخص شد که ساترا با وجود انتشار این اطلاعیه مشکل اساسی با جوکر ندارد و سرانجام این برنامه با حضور بانوان مجوز انتشار پیدا کرد. به طور حتم جوکر با حضور زنان تفاوت‌های اساسی با قسمت‌های قبل دارد اما این تفاوت‌ها آنقدرها نیست که از جذابیت برنامه بکاهد و مانع از پیگیری جوکر توسط علاقه‌مندان به این برنامه شود. از سوی دیگر، برداشتن این نوع تفکیک‌های جنسیتی از برنامه‌هایی که در پلتفرم‌ها منتشر می‌شود تا اندازه زیادی می‌تواند از نگاه جنسیت‌زده به برنامه‌های تصویری به‌خصوص رئالیتی‌شو‌ها جلوگیری کرده و تکلیف سازندگان برنامه‌ها و البته مخاطبان را با چنین برنامه‌هایی روشن کند. از سوی دیگر به مدیران نشان دهد که با انتشار و پخش این برنامه‌ها با حضور بانوان نه تنها اتفاق ترسناکی رخ نخواهد داد بلکه نقش بانوان را در برنامه‌سازی در شبکه نمایش خانگی افزایش داده و مقداری از انتباهات اجتماعی نسبت به تبعیض‌های جنسیتی بکاهد. تولید چنین برنامه‌هایی وقتی در چارچوب‌های تعیین شده و خطوط قرمز معین صورت می‌گیرد، امتیازات زیادی دارد که هم در عرصه تولیدات نمایشی می‌توان از آن بهره برد و هم در جامعه اثرات مثبت آن که ناشی از کاهش تبعیض‌های جنسیتی است را مشاهده کرد. با اقبالی که از جوکر در شبکه خانگی می‌شود و مجالی که علیخانی برای فعالیت در این شبکه پیدا کرده، بعید به نظر می‌رسد به این زودی‌ها به تلویزیون بازگردد و با قوانین سخت‌گیرانه این رسانه حاضر به ساخت برنامه در رسانه ملی شود.





سال هفتم شماره ۱۷۵۹
پنج‌شنبه ۱۸ مرداد ۱۴۰۳

سازندگی جوان

باشگاه جوانان کارگزاران سازندگی ایران



آخرین شانس اصلاح

عباس عابدی: مساله این است که چرا مخالفان پزشکیان هنوز متوجه عمق ماجرا نشده‌اند و نمی‌دانند که این انتخابات به صورت شانس و بر حسب تصادف به وجود نیامده بلکه محصول وجود اراده‌ای معطوف به عبور از گذشته است. باید گفت پزشکیان آخرین شانس برای حکومت است که از وضعیت موجود خارج شود و در مسیری قرار بگیرد که دوباره شاهد انتخابات ۸۰ درصدی باشد.



تعامل و تفاهم

الیاس حضرتی: احکام مسعود پزشکیان تا امروز یکی از یکی بهتر و مکمل همدیگر هستند. امید که با همین آهنگ کادر بقیه دولت هم تکمیل شود و ایشان بتواند با یک مجموعه‌ای که این رویکرد دکتر پزشکیان را قبول داشته باشند و در این رویکرد مشترک باشند، یعنی تعامل با بیرون و تفاهم در داخل بتوانند یک فضای مثبت همکاری و همدلی ایجاد کنند و به نظر می‌رسد این هدف دست‌یافتنی است.



دولت ملی و حداکثری

علی محمد حاضری: دولت ملی دولت استفاده از همه ظرفیت‌ها، فراتر از تگ‌نظری است. امید است با این رویکرد دکتر پزشکیان موفق به تشکیل دولتی ملی و کارآمد با استفاده حداکثری از ظرفیت‌های جامعه ۸۰ میلیونی ایران شود تا با کاهش شکاف دولت، ملت و افزایش سرمایه اجتماعی، انتخابات بعدی با مشارکت وسیع‌تری از ملت همراه باشد تا پایه‌های بنیادین دولت ملی با استحکام گسترده‌تری فراهم شود.

دیدگاه: یادداشت سیاسی

تأثیرات لایه سیاسی بر ساختار اداری

نگاهی به نقش انتخابات و عزل و نصب‌های دولتی بر حوزه اداری



سیدعلی شیخ‌الاسلامی
عضو شورای سازمان جوانان
حزب کارگزاران سازندگی ایران

همواره بعد از پایان فرآیند انتقال قدرت دولت‌ها تپ‌وتاب انتصابات دولتی در تمامی سطوح آغاز می‌شود. در کشور ما این فرآیند شکل خاص و ویژه خود را دارد و می‌توان گفت، تمامی ارکان قوه مجریه از صدر تا ذیل متأثر از این رخداد می‌شوند. در اینجا لازم است، مشخص کنیم که در این ارگان‌ها یک لایه اداری وجود دارد و یک لایه سیاسی، این دو تفاوت‌هایی بنیادین با یکدیگر دارند. لایه سیاسی در واقع شامل سیاستمدارانی می‌شود که آمده‌اند تا عمل سیاسی انجام دهند و لایه اداری شامل مجموعه‌ای از افراد می‌شوند که در ادارات دولتی مشغول ارائه خدمت عمومی هستند.

اعمال اداری و اعمال قضایی خط‌ومرز مشخصی دارند اما اعمال اداری خط‌ومرز واضحی با اعمال سیاسی ندارند، برای درک بهتر این موضوع ابتدا به این مثال توجه کنیم که پس از انتقال قدرت میان دولت‌ها تا رؤسای تخصصی‌ترین بخش‌ها و حتی مدیران مدارس دستخوش تغییر می‌شوند، در صورتی که سیاستمداران باید در رأس دولت و در پارلمان متمرکز باشند.

اعمال اداری دارای ویژگی‌های به‌خصوصی هستند که برآمده از خاستگاه خود هستند؛ اول آنکه، اعمال اداری علمی‌تر هستند و دارای ثبات و پایداری بیشتری هستند چراکه کارشناسان امر پس از بررسی‌های تخصصی آن اعمال را اجرایی می‌کنند و برای بازه زمانی درازمدتی در نظر گرفته می‌شوند، مورد دوم نیز آن است که در تصمیمات لایه اداری آینده‌نگری وجود دارند و محدود به یک یا دو دوره ریاست‌جمهوری نیستند، ویژگی سوم رعایت اصول شایسته‌سالاری در لایه اداری است و ضوابط براساس تخصص‌گرایی تدوین شده‌اند و مورد آخر شامل ارائه اطلاعات توسط لایه اداری به لایه سیاسی می‌شود چراکه لایه اداری در بطن کار قرار دارد و مشکلات، نقایص و موقعیت‌ها را بهتر درک کرده و می‌تواند آنها را به تحلیل و جمع‌بندی برساند.

در مقابل اعمال سیاسی نیز ویژگی‌های خاص خود را دارند که عملاً در تقابل با ویژگی‌های لایه اداری است، مورد اول که مهم‌ترین آن نیز هست، شعارزدگی اعمال سیاسی است زیرا لایه سیاسی حیات خود را در اقداماتی می‌بیند که تأمین‌کننده رضایت عمومی باشد اما تأمین رضایت عمومی لزوماً همگام با اقدامات اصولی و صحیح نیست و گاه رنگ‌بوی پوپولیستی به خود می‌گیرد، لایه سیاسی به فکر کمپین انتخاباتی بعدی خود است و می‌خواهد پیروز آن باشد، مورد دوم شتاب‌زدگی در تصمیمات است زیرا آنان فرصت خود را محدود می‌بینند و فرصت طویل کار کارشناسی را ندارند در موضوع این دو مورد باید بدانیم که شرط تأمین منافع- نه به معنای رانت یا منفعت غیرقانونی- گروه‌های سیاسی تحت حمایت این لایه است، مورد سوم که بدیهی‌ترین آن است، لایه سیاسی در حالت طبیعی از دل یک فرآیند دموکراتیک بیرون می‌آید، یعنی مردم با رای خود گروهی را حاکم می‌کنند اما این نکته لزوماً به معنای بهبود در تمامی حوزه‌های اداری نیست.

ما از جنس کار و نوع کننده کار به تمایز بخش اداری و سیاسی قوه مجریه پی می‌بریم. لازم به ذکر است که بیان این نکات بدین معنا نیست آنچه که در ایران رخ می‌دهد به این صورت است بلکه انتقادی است از اینکه در تمامی این سال‌ها و بعد از روی کار آمدن دولت‌ها این فرآیند تشدید همچین طرح این نکات توسط نگارنده منعکس‌کننده این دیدگاه نیست که باید در دولت فعلی چنین روندی متوقف شود زیرا این یک فرآیند طولانی‌مدت است، اما حالت ایده‌آل اینگونه است که به سمتی برویم که در آینده تنها در رأس نهادها و بخش محدودی از معاونان که وظایف سیاسی دارند، متأثر از انتخابات باشند و روزبه‌روز لایه اداری فربه‌تر و لایه سیاسی لاغرتر شود تا تصمیمات بلندمدت کارشناسی اجرایی و تصمیمات ضدکارشناسی هرگز اجرایی نشوند و این امر در درازمدت به نفع کشور است.



سروش صفایی
قائم‌مقام دبیر سازمان جوانان
حزب کارگزاران سازندگی ایران

چهاردهمین انتخابات ریاست‌جمهوری ایران هم گذشت و دکتر مسعود پزشکیان ظرف مدت ۵۰ روز از بهارستان به پاسنور رفت. سازمان جوانان حزب کارگزاران سازندگی ایران که در سردترین و سخت‌ترین روزها برای فعالیت سیاسی و اجتماعی جوانان در ایران در شرایطی که فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی قشر جوان با محدودیت‌های فراوانی روبه‌رو بود عملاً تنها تشکیلات سیاسی جوان در میان احزاب تحول‌خواه بود که بدون حاشیه و به دور از رویکردهای غیرعمل‌گرایانه با همراهی سایر ارکان حزب و نخبگان سیاسی به ویژه نخبگان جوان و با بهره‌گیری از ظرفیت‌های اندک موجود موفق شد با راه‌اندازی پویش‌های متعدد و برگزاری دهها نشست تخصصی و کارگاه آموزشی، بخشی مهم از نسل جوان را به مباحث سیاسی، اجتماعی و اقتصادی روز کشور علاقمند و زمینه مشارکت فعال آنها در امور سیاسی، اجتماعی را فراهم کند.

اما در طول مدت این انتخابات در سازمان جوانان حزب کارگزاران سازندگی ایران چه گذشت؟ بلافاصله بعد از اعلام نتایج بررسی صلاحیت کاندیداهای انتخابات ریاست‌جمهوری دوره چهاردهم و تأیید صلاحیت مسعود پزشکیان، سازمان جوانان حزب کارگزاران سازندگی ایران پس از انجام تشریفات و هماهنگی‌های سیاسی و تشکیلاتی لازم با حضور در محل ستاد مرکزی دکتر پزشکیان وارد صحنه انتخابات شد. انتخاباتی که ایران‌دوستان در آن شاید با همه روبه‌رو بودند؛ از یک‌سو حامیان کاندیدای رقیب که مدعی لزوم امتداد وضع موجود و حتی

تشدید سیاست‌های بحران‌زای قبلی بود و از سویی دیگر، جو و فضای تحریم انتخابات که از داخل و خارج از کشور به خصوص بر جوانان فشار بسیار شدیدی وارد می‌کرد. همچنین گرفتاری همیشگی جوانان در ایران، بزرگسالی که دست از جوانی نمی‌کشند و برای رای اولی دهه هشتادی ایده چندان متفاوتی از آنچه برای رای اولی دهه شصتی در انتخابات‌های دهه ۸۰ اجرا شد نداشتند. به این مشکلات باید ضعف مدیریت ستاد مرکزی را در کنترل و وزن‌دهی مناسب به گروه‌های سیاسی و مشکلات و محدودیت‌های متعدد اجرایی به خصوص در مقایسه با ستاد رقیب را هم اضافه کرد تا تصویر کامل شود. با این



همه، پس از برگزاری جلسات هماهنگی اولیه در ستاد دکتر پزشکیان، اعضای سازمان جوانان حزب کارگزاران سازندگی ایران در سراسر کشور در راستای عمل به وظیفه سیاسی و اجتماعی خود با استفاده از ظرفیت و هماهنگی تشکیلاتی خود به دور از نگاه‌های کوتاه‌بینانه و با تمرکز بر ایجاد فرصت دوباره برای توسعه ایران در سستان‌های دکتر پزشکیان حضور پیدا کردند. تعداد زیادی از اعضای سازمان در استان‌ها در سمت ریاست یا قائم‌مقام ستاد جوانان و دانشجویان استان‌ها مشغول فعالیت ستادی انتخاباتی شدند و عملاً راهبری ستاد جوانان و دانشجویان بسیاری از استان‌ها را در سخت‌ترین شرایط بر عهده گرفتند. گروه

جوان‌گرایی؛ بال پرواز دولت چهاردهم

در اهمیت تشکیل کابینه مسعود پزشکیان با وزیران زیر ۵۰ سال



کیارش اخوان
عضو شورای سازمان جوانان
حزب کارگزاران سازندگی ایران

۱ جوان‌گرایی و به‌ره‌مندی از توانمندی‌های جوانان در سال‌های اخیر بسیار مورد بحث و توجه قرار گرفته است. اعتماد به جوانان و سپردن زمام اجرایی امور به آنها از برنامه‌هایی است که مسئولان در بزنگاه‌های حساس از آن دم می‌زنند اما با نگاهی به کارنامه عملی دستگاه‌های مختلف کشور می‌توان دریافت که جوان‌گرایی در عمل اتفاق نیفتاده است.

۲ در کارنامه دولت‌های روی کار آمده از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون، میانگین سنی اعضای کابینه در دولت سیدابوالحسن بنی‌صدر ۳۰ سال، دولت شهید محمدعلی رجایی ۴۰ سال، دولت‌های آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای در هر دو دوره ۴۰ سال، دولت‌های آیت‌الله اکبر هاشمی‌رفسنجانی (دولت سازندگی) به ترتیب ۴۱ و ۴۴ سال، دولت‌های سیدمحمد خاتمی (دولت اصلاحات) ۴۵ و ۴۷ سال، دولت‌های محمود احمدی‌نژاد ۴۹ و ۵۰ سال، دولت‌های حسن روحانی (دولت تدبیر و امید) ۵۷ و ۵۸ سال و نهایتاً در دولت شهید سیدابراهیم رئیسی ۵۵ سال بوده است. پرواض است که هرچه از روزهای آغازین انقلاب اسلامی و دفاع مقدس فاصله گرفته‌ایم، رفته‌رفته سن اعضای هیات دولت افزایش یافته است. آیا جوان‌گرایی تنها

۴ مساله بعدی این است که آنچه مانع جوان‌گرایی می‌شود عدم تربیت صحیح جوانان و نخبگان سیاسی، اجتماعی

و فرهنگی است. به بیان دقیق‌تر، این عدم معرفی چهره‌های جوان و کارآمد از سوی احزاب است که بر این موضوع دامن می‌زند. جوان‌گرایی هنوز برای احزاب و مسئولان به خوبی تعریف نشده و هیچ‌گاه فرصتی پیش نیامده است که توانایی جوانان احزاب و نخبگان تشکیلاتی و متخصص به محک گذاشته شود. همچنین عدم اتکا به دانشگاه که مهد پرورش نخبگان و راستی‌آزمایی مهارت‌ها و تبحر آنهاست و نیز فاصله جدی دانشگاه با واقعیت جامعه نیز از دیگر دلایل عدم سپردن زمام امور و مشورت جستن از نخبگان جوان است. در واقع جوان‌گرایی در بسیاری از موارد در کشور ما جنبه‌ای صوری به خود می‌گیرد و صرفاً در مناسبت‌هایی همچون روز جوان و دانشجو و به صورت پرنرنگ‌تر در دهم‌های انتخابات در حدی نازل به آن پرداخته می‌شود. مفاهیم انتزاعی و یادگیری تئوری، عمل‌گرایی محدود و تدریس آرمانی که بیشتر جنبه تهییج و تشویق دانشجورا در رشته تحصیلی‌اش دارد و کمبود عمل‌گرایی و تحقق یافتن آرمان‌ها لایه‌لای کتاب‌ها و تکیه صرف بر یادگیری تئوریک بر عدم اعتماد مسئولان به جوانان دامن می‌زند. با تمام این تفاسیر باید به آنجا که در دولت چهاردهم به ریاست مسعود پزشکیان با توجه به وعده جوان‌گرایی و سپردن امور به متخصصان، میانگین سنی کابینه به زیر ۵۰ سال می‌رسد یا خیر؟

ادامه تیتو یک

وقت عمل است

وب‌سایت انصاف‌نیوز با انتشار این ویدئو، به نقل از مادر یکی از نوجوانان بازداشت‌شده، گزارشی از ضرب‌و‌شتم یک دختر ۱۴ ساله به دست «ماموران طرح نور» منتشر کرد. مادر این دختر ۱۴ ساله می‌گوید: پس از مراجعه به پلیس امنیت اخلاقی، دخترش را با شرایط جسمی بدی می‌یابد. به گفته او: «ماموران سر دخترش را به پست برق زده‌اند و پس از آنکه دخترش را با خشونت سوارون کرده‌اند، به کتک زدن او ادامه داده‌اند».

او می‌گوید: «دخترم را با صورتی زخمی، لب‌های ورم کرده، گردن کبود، لباس پار‌پاره و صدایی که در نمی‌آمد دیدم. چشم‌اش هم باز نمی‌شد؛ آقدر که گریه کرده بود».

بنا بر گزارش انصاف‌نیوز، به او در پلیس امنیت اخلاقی گفته شده است که دو انگشت یکی از ماموران زن در این درگیری «شکسته» است و او باید «رضایت» مامور زن را بگیرد. براساس این گزارش، مادر این نوجوان قصد داشته شکایت کند اما به او گفته می‌شود که از این کار صرف‌نظر کند، وگرنه «پای پلیس امنیت و اطلاعات» به پرونده کشیده می‌شود و برایش «گران تمام خواهد شد»! او به انصاف‌نیوز گفته است: پس از گذشت یک ماه پیگیری هنوز پاسخی دریافت نکرده است. اکنون مرکز اطلاع‌رسانی پلیس در بیانیه‌ای درباره علت توسل به خشونت نوشته است: پس از تذکر و درگیری لفظی نخستین این دو دختر نوجوان «مجدداً در خیابان وطن‌پور با پوشش نامناسب» مشاهده می‌شوند.

نیروی انتظامی تهران در بخش پایانی اطلاعیه خود نوشته است: «پلیس رفتار این‌چنینی توسط عوامل انتظامی را در چارچوب استانداردهای کتشی و عملیاتی خود ندانسته و پرونده در سیستم قضائی و بازرسی فراجا مفتوح و درحال بررسی است».

پلیس تهران در اطلاعیه خود اضافه کرده است که ویدئوی دیگری که پلیس ضبط کرده به همراه فیلم دوربین مداربسته خیابان با هدف «شفاف‌سازی» به مقام قضایی داده شده است.

◀ماموران شناسایی و احضار شدند

دادستان نظامی تهران در مورد ویدئو بازداشت خشن دختر نوجوان از طرف ماموران طرح نور در تهران گفته: شکایتی به این دادسرا ارسال شده و براساس آن «ماموران حاضر در صحنه شناسایی و احضار شده‌اند» و بازرس ویژه درحال تحقیقات در مورد پرونده است.

محسن کرمی، دادستان نظامی تهران به خبرگزاری میزان گفت: «از اوایلین اقدامات در نظر گرفته شده در این پرونده، شناسایی و معرفی ماموران حاضر در صحنه بود که با همکاری خوب صورت گرفته از سوی فراجا، ماموران حاضر، شناسایی و به نحو قانونی احضار شده‌اند».

او در مورد انتشار ویدئو این بازداشت خشن در رسانه‌ها هم گفته: «بازیرس صرفاً دستور استخراج فیلم برای ثبت در پرونده را صادر کرده و هیچ دستور یا مجوزی برای تحویل آن به شاکي یا وکیل وی یا انتشار آن در رسانه‌ها صادر نکرده است».

به گفته کرمی، فیلم موجود در این پرونده از زاویه‌ای متفاوت از آنچه در رسانه‌ها منتشر شده، ضبط شده است.

◀آقای رئیس‌جمهور به وعده‌تان عمل کنید!

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور دولت چهاردهم در جریان مبارزات انتخاباتی ریاست‌جمهوری امسال بارها از گشت ارشاد و برخورد با زنان و دختران ایرانی به دلیل رعایت نکردن حجاب انتقاد کرد و طرح‌های مختلف در این راستا را به چالش کشید.

او ازجمله درباره یکی از این سازوکارهای مقابله با زنان و دختران

◀نرخ‌های رومینگ آزاد (بدون استفاده از بسته)

بر این اساس، از روز سه شنبه ۱۶ مرداد (اول صفر)، تعرفه هر دقیقه مکالمه خروجی ۱۸۰۰۰ تومان، هر دقیقه مکالمه دریافتی ۱۵۰۰۰ تومان، ارسال هر عدد پیامک به شماره‌های ایرانی ۳۰۰۰ تومان و هر مگابایت استفاده از اینترنت همراه ۳۰۰ تومان محاسبه می‌شود که در تمامی موارد

که عنوان «طرح نور» را بر خود دارد، گفته بود که این طرح «جامعه ما را به سمت سیاهی می‌برد». پزشکيان همچنين با يادآوری شکست اين اقدامات متعدد عنوان کرده بود که «۴۰ سال است می‌خواهند با مداخلات، وضعیت حجاب را درست کنند؛ از خودشان پيرسند: آيا بدتر نشده است؟» او همچنين در صفحه اجتماعی ایکس پيش از رياست‌جمهوری نوشته بود: «تضمين می‌دهم که تمام دولت در برابر گشت‌های اجباری، فیلتر کردن و فیلترشکن‌بازی و فشارهای بیرونی در همه جلسات و تمام‌قَد بایستد».

او این مطلب را در پاسخ به حسين جنتي، شاعر نوگرا و معترض ایرانی نوشته بود. حسين جنتی از پزشکيان، ظريف و آذری‌چهرمی خواسته بود، تضمين دهند که گشت ارشاد را جمع می‌کنند، تضمين دهند، فیلترينگ شبکه‌های اجتماعی برچيده شود و تضمين بدهند اگر فشاری به دولت آمد تا در مقابل خواست مردم بایستد، آن فشار را صریحاً افشا کنند.

پزشکيان پيش از آن هم با حضور در دانشگاه تهران با گشت ارشاد مخالفت کرده و گفته بود: «اين روش به جايی نمی‌رسد. من جلوی گشت ارشاد را خواهم گرفت. حل معضل اجتماعی، وسيله‌های مختلف می‌خواهد. با شعار کار پيش نمی‌رود. من هميشه طرف مردم بوده‌ام، نه طرف قدرتمندان. حق با مردم است. ما بايد مشکل آنها را حل کنيم. اگر مردم مطالبه‌گر باشند، من با قدرت می‌توانم جلو بروم».

هم‌زمان با انتشار اين ویدئو بار ديگر مردم و فعالان شبکه‌های اجتماعی اظهارات رئيس‌جمهور را به او يادآوری کرده و خواستار برخورد جدی با عاملان اين اتفاق شدند.

علی مجتهدزاده، وکیل دادگستری، نوشت: «جناب آقای پزشکیان قول دادید در برابر چنین اقدامات خلاف قانون و شرع در قبال فرزندانمان سکوت نکرده و اگر توان جمع کردن این بساط را نداشتید عطای قدرت بی‌ارزش را به لقایش بسپارید و ما روی حرفتان حساب کرده‌ایم».

محمدجواد آذری‌چهرمی در کانال تلگرامی خود نوشت: «همون دختر کم‌حجاب، دختر منه...» اشاره او به سخنان سردار قاسم سلیمانی درمورد نحوه برخورد با دختران به خاطر حجاب است. علی شریفی‌زارچی، از اساتید شاخص دانشگاه صنعتی شریف که در این انتخابات از مسعود پزشکیان حمایت کرد، هم گفت: «ظلم به دختران را متوقف کنید. طرح نور، سیاهی است».

رضا رشیدپور از فعالان رسانه‌ای نيز روز سه‌شنبه خطاب به رئيس‌جمهور در شبکه ایکس نوشت که «وزیر کشور را همین فردا صبح عزل کنید».

محمد مهاجری، فعال سیاسی اصولگرا نیز در حساب شخصی خود در شبکه ایکس نوشت: «پس از انقلاب ۳ وزیر کشور، نظامی بوده‌اند و دست بر قضا هر سه نفر آقایان محصولی، محمد نجار و احمد وحیدی ناکارآمد بودند و نفر سوم گوی سبقت را از دو وزیر پیشین نظامی ربود. امید که پزشکيان در برابر فشارها برای انتصاب وزیر کشور نظامی بایستد. وعده‌های او با تفکر نظامی محقق نمی‌شود». محمدرضا عارف، معاون اول رئيس‌جمهور نیز امروز در مراسم تکریم و معارفه معاون اجرایی رئيس‌جمهور در واکنش به این برخورد گفت: «بنايد با مردم برخورد خشن شود و به مطالبات همه مردم ازجمله مردمی که در انتخابات به هر دليلی رای ندادند، توجه و رسیدگی شود».

◀طرح نور از کجا آید؟

طرح نور برنامه نیروی انتظامی برای مقابله با كشف حجاب است که از ۲۵ فروردین‌ماه آغاز شده و هم‌زمان گشت‌های ارشاد نیز در

نقاط مختلف خیابان‌ها مستقر شدند.

چندی پيش انسپيه خزعلي، معاون امور زنان دولت سیزدهم در گفت‌وگویی بازگشت دوباره گشت ارشاد و نوع برخورد آنها با دختران را مرتبط با سلوک و راه و روش وزیر کشور دانست. او گفته که «وزیر کشور و زیرمجموعه‌اش هستند که می‌توانند درباره نوع روش‌ها تصميم‌گیری کنند. يعنی سلوکی را که زیرمجموعه می‌تواند در اين زمینه داشته باشد، با دستور وزیر کشور مشخص می‌شود».

او همچنین گفته که احمد وحیدی هیچ زنی را برای تصميم‌گیری درباره حجاب به جلسات راه نمی‌داده است. او گفته: «اما را در جلسات حجاب وزارت کشور دعوت‌مان هم نمی‌کردند و بیشتر آقایان برای خانم‌ها تصميم می‌گرفتند و معمولاً کارگروه مربوطه هیچ عضو خانمی هم نداشت. در آنجا ما چند بار هم اعتراض کردیم و شنیدیم یکی دو بار در اين جلسات، دست آخر خانم‌ها را هم دعوت کردند».

در دور تازه، گشت ارشاد همواره حمایت قاطع دو چهره را در بی داشته است: سردار احمدرضا رادان، فرمانده فراجا و احمد وحیدی، وزیر کشور.

این حمایت همه‌جانبه از سوی وزیر کشور تا آنجا پيش رفت که او چندی پيش درباره بردفرتاری ماموران فراجا در برخورد با یک زن و انتقال او به ون گشت ارشاد از این رفتار هم دفاع کرد. احمد وحیدی انعکاس تصاویر این‌برخورد در شبکه‌های اجتماعی را «جور گیری» خوانده و رفتار ماموران گشت ارشاد را «عمل بر طبق ضوابط» اعلام کرد.

وزیر کشور، در پاسخ به پرسشی درباره برخورد با ماموران متخلف فراجا و علت اطلاع‌رسانی نکردن در این زمینه و ایجاد شائبه‌هایی در اذهان مردم، گفته بود: «طبیعی است در هر کاری هر ماموری اگر تخلف کند، با او برخورد می‌شود. اما آنچه که شنیدیم در فضای مجازی درباره یک مورد خاص پخش شده است و در آن مورد خاص آنچه توسط فراجا انجام شده این بوده که به خانمی تذکر حجاب داده شده است، اما آن فرد در برابر اجرای قانون و رعایت حجاب، مقاومت و در واقع خود را برهنه کرده است». وحیدی او ادامه داد: «نیروی انتظامی با پتوی ایشان را پوشانده و طبق ضوابط عمل کرده است؛ اما آنچه منعکس شده، ظاهراً جور دیگری بوده است. بايد از تقطیع و انحراف موضوعات جلوگیری کرد تا کاری که فراجا براساس موازین قانونی به آن عمل کرده است، جور دیگری مطرح و حاشیه‌سازی انجام نشود».

نباید از یاد برد؛ بسیاری از آتهایی که پای صندوق‌های رای رفتند و به مسعود پزشکیان رای دادند، منتظر روزی بودند که او بساط گشت ارشاد و برخوردهای تند با دختران و زنان ایران را کف خیابان جمع کند. او برخلاف رقیب خود که بر تشدید رویه‌های دولت سیزدهم در برخورد با بی‌حجابی تاکید می‌کرد، بارها گفت که نباید با دختران سرزمین اینگونه برخورد شود و جلوی این رفتارهای خارج از قاعده را می‌گیرد، حالا با انتشار گسترده این ویدئو انتظار می‌رفت که به جای واکنش نه‌چندان محکم معاون اول، با عزل سریع وزیر کشور و برخوردی جدی با نیروهایی که چنین برخوردهای زنده‌ای را با دختران می‌کنند، آقای رئیس‌جمهور به وعده خود عمل کند. مسعود پزشکیان هرچند درباره بسیاری از چالش‌های کشور وعده‌ای نداد اما وعده مقابله با گشت ارشاد، بارها در تریبون‌های رسمی و غیررسمی ازجمله صداوسیما مطرح شد و مردم ایران انتظار واکنش‌های جدی‌تری دارند تا بخشی از پاسخ اعتماد به او را ببینند.

دیدگاه: نگاه روزنامه‌نگار

به‌امید روزی بدون سانسور

به بهانه روز خبرنگار



خبرنگارها بهتر از هر کسی می‌دانند که تبریک روزشان، به‌نوعی که در این سال‌ها گفته می‌شود، شنیدن ندارد. آنها در تمام روزهای قبل و بعد این روز مناسبتی، شاهد گرفتاری‌های بی‌شماری در کار کردن هستند؛ اما وقتی که روز خبرنگار فرا می‌رسد، بسیاری از کسانی که برای خبرنگارها گرفتاری درست کرده‌اند، دنبال تبریک گفتن به آنها هستند. بنابراین روز خبرنگار بهانه خوبی است برای اینکه نگاهی به وضعیت اهالی رسانه بیندازیم و بگویم که اوضاع رسانه‌ها و به‌تبع آن، شرایط خبرنگارها خوب نیست.

مشکل خبرنگارها این است که خودشان می‌خواهند کار کنند و اتفاقاً برای انعکاس مشکلات جامعه بسیار راغب و با انگیزه‌اند، اما ساختاری که بر این شرایط حاکم است به‌گونه‌ای بوده که به‌شدت آنها را محدود و دلزده می‌کند و از آنها انسان‌هایی محافظه کار و خودسانسور می‌سازد.

سرخوردگی ناشی از تضاد آنچه خبرنگاران از کار خود انتظار دارند و آنچه در عرصه عمل محقق می‌شود، مثل خوره انگیزه‌ها و اشتیاق‌های حرفه‌ای را تحلیل می‌برد و این نقطه ضعف اصلی روزنامه‌نگاری در ایران است. وانگهی، خبرنگاران در کنار تحلیل رفتن انگیزه‌های حرفه‌ای، شاهد فشار اقتصادی هرچه بیشتر هم هستند.

خلاصه اینکه اگر روز خبرنگار را تبریک می‌گویید و خبرنگارها خیلی از این تبریک استقبال نمی‌کنند، تعجب نکنید. زیرا فشارها و محدودیت‌ها آقدر برای این قشر زیاد است که دلیلی ندارد برای یک روز خاص حال‌شان خوب باشد. خبرنگارها روزی حال‌شان خوب می‌شود که دوباره اعتماد مخاطبان‌شان را جلب کنند و صدای مردم باشند؛ این اتفاق زمانی می‌افتد که درهای منابع خبری به رویشان باز شود و از دادن آمار غلط و سکوت محافظه‌کارانه در برابر درد مردم رها شوند.

گزارش ویژه

ضرورت جمع‌آوری و دفع بهداشتی فاضلاب‌های شهرها و روستاها

آذربایجان‌شرقی – سازندگی: رئیس مجمع نمایندگان آذربایجان‌شرقی در مجلس شورای اسلامی، جمع‌آوری و دفع بهداشتی فاضلاب‌های شهرها و روستاها در راستای جلوگیری از آلودگی‌های زیست‌محیطی و افزایش بهداشت عمومی را مهم قلمداد کرد.

علیرضا نوین، نماینده مردم تبریز، آذرشهر و اسکو در مجلس شورای اسلامی با اعلام این مطلب اظهار کرد: جمع‌آوری و دفع بهداشتی فاضلاب‌های شهرها و روستاها در راستای جلوگیری از آلودگی‌های زیست‌محیطی و افزایش بهداشت عمومی تاثیر بسزایی دارد و امیدواریم با پیگیری و اختصاص اعتبارات لازم شاهد اتمام این پروژه‌ها در استان باشیم.

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان نیز در جریان بازدید رئیس مجمع نمایندگان استان آذربایجان‌شرقی در مجلس شورای اسلامی از تصفیه‌خانه فاضلاب تبریز و روند اجرایی و پیشرفت فاز دوم این تصفیه‌خانه گزارش مبسوط از اقدامات انجام یافته و درحال اجرای مربوط به طرح‌های جمع‌آوری و دفع بهداشتی فاضلاب در استان ارائه کرد.

این مقام مسئول گفت: هم اینک در ۱۷ شهر استان طرح‌های جمع‌آوری و دفع بهداشتی فاضلاب درحال اجراست. به گفته وی، همچنین ۱۵ باب تصفیه‌خانه فاضلاب به بهره‌برداری رسیده و تعداد ۸ باب تصفیه خانه فاضلاب در دست احداث است.

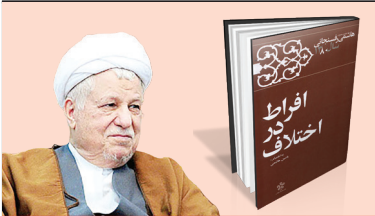
مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان آذربایجان‌شرقی اضافه کرد: با اقدامات انجام یافته، درحال حاضر ۷۵ درصد از جمعیت استان و در کلانشهر تبریز ۹۰ درصد از مردم از خدمات مربوط به جمع‌آوری و دفع بهداشتی فاضلاب بهره‌مند هستند.

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: سیدافضل موسوی • سردبیر: اکبر منتجبی

زیرنظرشورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیراقتناعی

مدیرهنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آرین‌فر • حروف‌چین: مجتبی دیدگر • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۸۰



افراط در اختلاف ۶۰

ادامه یک‌شنبه ۱۳ خرداد

زد و خورده بین دو جناح تحکیم

روزنامه‌های دیروز نوشته‌اند که در جلسه انتخاباتی دفتر تحکیم وحدت در حسینیه جماران با حضور آقایان [سیدمحمد] خاتمی و [مهدی] کروی بین دو جناح تحکیم، درگیری و زد و خورد پیش آمده و آقایان خاتمی و کروی، جلسه را ترک کرده‌اند ولی آقایان کروی و خاتمی، دیشب در جلسه رهبری گفتند، بعد از رفتن آنها درگیری پیش آمده است.

دیروز شورای امنیت سازمان ملل، تحریم [نفست در برابر غذا در] عراق را یک بار دیگر تمدید کرده و عراق در عکس‌العملی صدور نفت خود را قطع کرده و خطر انفجار قیمت در نفت پیش آمده و عربستان سعودی، اعلام کرده که کمبود را جبران می‌کند. یاسر عرفات، [رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین] تحت فشار آمریکا و اسرائیل، دستور آتش‌بس به فلسطینی‌ها در برخورد با اسرائیلی‌ها را داده استاما پیش‌بینی می‌شود که فرمان او را نپذیرند.

جمعی از گروه «مؤسسه فرهنگی» نینوا آمدند؛ از طلاب آزاده هستند و برای امور فرهنگی مربوط به آزادگان برنامه دارند. گله‌هایی از ستاد [رسیدگی به امور] آزادگان دارند؛ کمک خواستند، نیم میلیون تومان کمک کردم. آقای اعتمادی گفت، بعد از خطبه اخیر من، خواب دیده است که انمه به من رخت بزرگی داده‌اند.

آقای [عبدالمجید] معادیکخواه، [رئیس بنیاد تاریخ انقلاب] آمد و گزارشی در پیشرفت کار اجازه ساختمان بنیاد تاریخ را داد. گفتم آماده تحریر تاریخ انقلاب شوند. پیشنهاد داشت، گفت‌مانی با مجموعه افرادی که برای ریاست جمهوری ثبت‌نام کرده بودند، شروع شود. اشکالات کار را توضیح دادم.

خانواده‌های شهدای ورامین آمدند. آقای [حسین] نوش‌بادی، نماینده ورامین، گزارش داد و من هم صحبت کردم و به نقش ورامین در حادثه پانزده خرداد اشاره کردم. عصر آقای [علی] عباسپور، نامزد انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس برای مشورت آمد.

شب برای سخنرانی [در مراسم بزرگداشت رحلت امام خمینی (ره)] به مرقد امام رفتم. در اتاق انتظار که جمعی از دوم خردادی‌ها جمع بودند، آقای [سیدمحمد موسوی] بجنوردی، ابوالزوجه حسن آقا خمینی گفت، آقای احمد توکلی، [نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری] اوایل انقلاب در بهشهر به عنوان دادستان انقلاب، تئدروی‌های زیادی داشته؛ جمعی را اعدام و مصادره اموال کرده و دادستانی او هم پایه قانونی نداشته است. خانه‌کارگر هم در نامه سرگشاده‌ای، اشکالات کار آقای توکلی در دوران وزارت [کار و امور اجتماعی] او را منتشر کرده است.

دوشنبه ۱۴ خرداد

مراسم سالگرد ر حلت امام

برای مراسم سالگرد رحلت امام به مرقد امام رفتم. رهبری سخنرانی مفصلی داشتند؛ جمعیت هم خوب بود. رفت و برگشت با هلی‌کوپتر بود. بقیه وقت را به مطالعه بولتن‌ها گذراندم. اعلام شد که ولیعهد نپال که مجروح بوده، درگذشته و تردید در عامل تیراندازی، باعث ناراحتی و آشوب در نپال شده و وضع فوق‌العاده اعلام شده است. اول کار گفتند، ولیعهد «دی پندرا» تیراندازی کرده ولی بعد تردید پیش آمد.

چند سکانس از یک جنبش

۳۶ سال از اعلام موجودیت حماس گذشت



به اسارت گرفتن دو سرباز تا اکنون داشتند هیچ تفاوتی میان اتفاقات قابل نیستند.

مخالفت با پیمان اسلو

جنبش حماس اما در جریان مخالفت با پیمان اسلو که در سال ۱۹۹۳ به امضای طرفین رسید، بیشتر در میان مردم فلسطین و در فضای سیاسی آن زمان شناخته شد. مذاکرات درباره این پیمان در اسلو، پایتخت نروژ انجام شد و به طور رسمی در سپتامبر ۱۹۹۳ با حضور یاسر عرفات، اسحاق رابین و بیل کلینتون در واشنگتن رسمی شد. تشکیل حکومت خودگردان فلسطین براساس این پیمان که با شعار صلح در برابر زمین امضا شده بود به نهاد اداری موقت بدل می‌شد که باید ظرف مدت ۵ سال جای خود را به دولتی مستقل می‌داد اما به جای آن، فلسطینی‌ها شهرک‌نشین شدند.

بنیان‌گذار حماس که بود؟

شیخ احمد یاسین در سال ۱۹۳۶ میلادی در روستای الجوده در استان المجدل واقع در نزدیکی عسقلان به دنیا آمده بود که در سال ۱۹۴۸ و به ویرانه تبدیل شد بنابرین خانواده یاسین به غزه مهاجرت کردند. اگرچه او مشکلات جسمی داشت اما برای تحصیل به دانشگاهی به قاهره رفت ولی به دلیل فقر مادی تنها یک سال در آنجا درس خواند. مدتی در مصر اقامت داشت بنابرین با جمعیت «اخوان المسلمین» پیوند خورد و در دهه ۷۰ و ۸۰ در فلسطین، مجمع اسلامی و سازمان اسلامی «مجد المجاهدین» را تاسیس کرد و چند سال پیش از تشکیل رسمی حماس به اتهام داشتن اسلحه و مواد منفجره توسط اسرائیل بازداشت شد و مدتی هم در زندان بود. در یکی از دفاعاتی که به زندان رفته و به حبس ابد محکوم شده بود پس از ۸ سال با پا درمیانی شاه حسین پادشاه سابق اردن، آزاد و به اردن تبعید شد، اگرچه پس از مدتی به غزه بازگشت ولی همچنان با تشکیلات خودگردان فلسطین زاویه داشت.

بنیان‌گذار جنبش حماس در سن ۶۷ سالگی درحال بازگشت به خانه‌اش مورد حمله اسرائیل قرار گرفت و ترور شد. حالا هم چند روز پس از ترور اسماعیل هنیه در کاخ سععدآباد، درحالی که از خالد مشعل پیش از اسماعیل هنیه نیز خالد مشعل که از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۷ رهبر جنبش حماس بود، به‌عنوان جایگزین احتمالی اسماعیل هنیه نام برده می‌شد اما دیروز یحیی سنوار، بنیان‌گذار گروه امنیتی مجد به عنوان رهبر سیاسی حماس معرفی شد.

نخستین بیانیه خود را در ۱۵ دسامبر ۱۹۸۷ منتشر کند و از آغاز مرحله جدیدی از مبارزات مردمی فلسطین بر صدرزیم صهیونیستی سخن بگوید. شیخ احمد یاسین در آگوست ۱۹۸۸ با انتشار منشور حماس در ۲۶ ماده اعلام موجودیت کرد. به علت وجه اشتراکی که منشور حماس با اخوان‌المسلمین در زمینه عنصر جهاد داشت، بسیاری تحلیلگران از آن به عنوان شاخه‌ای از آن یاد می‌کنند. در نظر حماس تنها راه راهای فلسطین، ریشه‌کن کردن اسرائیل است کماینکه طرف مقابل نیز همین عقیده را در زمین، بازی کرده است. حماس، صلح با فلسطین را نمی‌پذیرد و جهاد علیه اسرائیل را برای هر مسلمانی واجب می‌داند. همچنین معتقدند که زندگی یهودیان و مسیحیان در صلح تحت سایه اسلام امکان‌پذیر است.

شاخه‌های نظامی حماس

این جنبش یک گروه نظامی دیگر به نام «مبارزان فلسطینی» را نیز در سال ۱۹۸۶ تشکیل داد؛ گروهی که توانست پیش از آغاز انتفاضه اول همچنین در جریان این انتفاضه تا سال ۱۹۸۹ فعالیت‌های نظامی زیادی انجام داده بود. دو سرباز اسرائیلی را ربوند و چندین بار عملیات تیراندازی انجام دادند. گروه «مجد» یکی دیگر از گروه‌هایی بود که گروه حماس تا سال ۱۹۸۹ تشکیل داده بود که بیشتر ماهیتی داشت و تا پیش از انتفاضه اول و در طول دو هفته اول انتفاضه کار تعقیب اسرائیلی‌ها را انجام می‌داد. آنها چهار اسرائیلی نام آشنای رژیم را ربوند. سه سال پس از اعلام موجودیت حماس نیز گروه‌های نظامی و امنیتی دیگری شکل گرفتند مثل گردان‌های امنیتی عزالدین القسام که یک سال پس از مطرح شدن، ورون شوشان، خاخام شهرک صهیونیست‌نشین را به قتل رساندند و مسئولیت آن را نیز بر عهده گرفتند.

بعدها این گردان گسترش پیدا کرد و در واقع بسیاری از گروه‌ها با این نام به فعالیت پرداختند. بعد هم به دنبال فعالیت‌های مشترکی با همکاری دو شاخه گردان‌های قسام در کرانه و غزه منجر به تثبیت نام شهید عزالدین القسام بر شاخه نظامی حماس شد. صلاح شحاده، یحیی السنوار، شهید یاسر النمروطی، شهید عماد عقلی، جمیل وادی و مهندس یحیی عیاش، صالح العاروری، محمد عزیز و خالد الزیر برخی دیگر از بنیان‌گذاران و افسرد تاثیرگذار در گردان‌های قسام هستند. گردان‌های قسام در تمام فعالیت‌هایی که از اواخر دهه ۸۰ از



نیره خادمی
گروه تاریخ

تشکیلات حماس، اگرچه از حدود ۷۶ سال پیش به عنوان گروهی مخالف با حضور اسرائیل در منطقه، فعالیت‌های خود را آغاز کرده است اما از اعلام موجودیت رسمی آن حدود ۳۶ سال می‌گذرد. در این مدت جز شیخ احمد یاسین، نخستین رهبر حماس و بنیان‌گذار آن تا اسماعیل هنیه رهبر آخر حماس، فرماندهان زیادی از این جنبش مورد حمله اسرائیل قرار گرفته‌اند و ترور شده‌اند اما هنوز جنبش به کار خود ادامه داده است. در تازه‌ترین تحولات نیز «یحیی ابراهیم حسن‌السنوار» مشهور به «ابو ابراهیم» به عنوان رهبر جدید حماس معرفی شده است؛ به این بهانه نگاهی داشتیم به تاریخچه شکل‌گیری حماس و رهبری آن.

گروهی که با سایر گروه‌های فلسطینی اختلاف‌نظر داشت

چهار دهه پس از قطعنامه ۱۸۱ سازمان ملل متحد درباره تشکیل دو دولت عربی و یهودی، حماس مخفف «حرکه المقاومة اسلامیة»، یعنی جنبش مقاومت اسلامی در میان گروهی از فلسطینی قوام گرفت. دولت اسرائیل براساس قطعنامه، به وجود آمده بود اما تشکیلات دولت فلسطین هیچ وقت به ظهور نرسید؛ بنابرین جنبش حماس حدود یک سال پس از خیزش ۱۹۸۷ فلسطینی‌ها علیه اسرائیل به عنوان گروهی که در زمینه نحوه مناسبات با اسرائیل روشی متفاوت با بقیه گروه‌ها داشت، شکل گرفت.

در سال ۱۹۴۸ اسرائیل درحالی که هنوز خبری از تشکیل دولت فلسطین نبود، دولت اسرائیل به سازمان ملل پیوست و فلسطین در آن زمان تنها یاسر عرفات را نه به عنوان نماینده که به عنوان ناظر در سازمان ملل داشت. این موضوعات از همان ابتدا به محور بحث بسیاری از گروه‌های فلسینی تبدیل شده بود اما در این میان همچنان گروه حماس، اختلاف زیادی در زمینه سازش با اسرائیل با بقیه گروه‌ها داشت تا چند دهه بعد که برای آن یک هسته نظامی تعریف شد و یک سیاست مبارزاتی در پیش گرفت.

اعلام موجودیت رسمی

در ۶ دسامبر ۱۹۸۷ راننده یک کامیون صهیونیستی، وانت حامل کارگران فلسطینی را زیر گرفت که در پی آن چهار تن از ساکنان اردوگاه جبالیا کشته شدند. این اقدام باعث شد تا جنبش جهاد اسلامی فلسطین،

چهره

زمان» در یادها

به مناسبت سالروز تولد هنرمندی که فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی هم داشت



حسین زمان در زمان جنگ ایران و عراق، تحصیل در آمریکا را رها کرد تا از نزدیک در جبهه‌ها شاهد جنگ باشد و همزمان البته تحصیل را رها نکرد. در تمام آن ۸ سال

تحصیلاتش را تا کارشناسی ارشد در رشته مهندسی مخابرات ادامه داد. مدتی فرمانده معاونت مخابرات نیروی دریایی سپاه پاسداران بود و در ۲۰ سال گذشته تدریس در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و نیز پژوهش در زمینه‌های الکترونیک، مخابرات و رایانه را رها نکرد. ۱۸ مرداد سالروز به دنیا آمدن این هنرمند به واقع «مردمی» بود، کسی که حتی در اوج شهرت هم مردم را فراموش نکرد و تیغ انتقاداتش در هنر، باعث کنار گذاشته شدن او شد. یکی از خوانندگان مطرح دهه ۷۰ که بعد ۱۷ سال ممنوعیت اجرای برنامه، سرانجام در سال ۹۸ در سالن همایش‌های میلاد، کنسرت برگزار کرد. می‌گفت: «پیش‌بینی بسیاری از بازگشت من، این بود که از یادها رفته‌ام و در کنسرت مخاطبی ندارم اما همان اجرای برج میلاد در دو سانس نشان داد که این‌طور نیست و سالن پر شد. همه مخاطبان آمدند. اجرایی که کوتاه بود اما برای ارتباط با مخاطبان فرصتی شد و حالا هم نمی‌دانم آیا دوباره تصمیم می‌شود یا نه؟ البته در سال‌هایی که ممنوع‌الکار بودم از موسیقی دور بودم و درحال جمع‌آوری ترانه بودم. با هزینه و امکانات شخصی هم چند کار تولید کردم تا از یاد نروم اما به لحاظ حرفه‌ای نمی‌توانستم تولیدی داشته باشم». هنرمند بود و در کنار هنر به عنوان یک فعال سیاسی و اجتماعی هم مطرح بود. از آن دسته از هنرمندانی بود که همیشه در ترانه‌هایش نیم نگاهی به مسائل اجتماع خود داشت و همین موضوع دردرسهایی برایش رقم زد: «می‌گفتند چرا در کنسرت‌هایت حرف می‌زنی؟ چرا مصاحبه می‌کنی؟ تو فقط بخوان. اما من فکر می‌کنم باید به اعتقاداتم پایبند باشم، وگرنه فرمایشی کار می‌کردم و با درآمدش برج می‌ساختم اما حتی همین حالا هم برای ساخت یک ویدئوکلپ لنگم.» در اردیبهشت سال گذشته در حالی که هنوز راه زیادی برای زندگی داشت، پس از تحمل دوران طولانی بیماری در نهایت از دنیارفت ولی اگر مانده بود امروز ۵۶ ساله می‌شد. داستان زندگی او و فرازونشیب زندگی هنری‌اش بی‌شباهت به ترانه پرطرفدار «مشق عشق» خودش نیست؛ همان جایی که می‌خواند: «اما فقط رنج کشیدیم آروم / و به آیین کوترها مون بازگشتیم دوباره بر بوم». ممنوع‌الفعالیت شده بود، یعنی هر بار برای برگزاری کنسرت برایش مانع‌تراشی می‌کردند اما هیچ‌گاه به طور مستقیم این را به او نگفته بودند. درباره سرنوشت این دوران تلخ گفته بود: اواخر دوره ریاست‌جمهوری آقای احمدی‌نژاد مجدداً به وزارت ارشاد رفتم تا ببینم آیا می‌توانند برلیم کاری انجام دهند و اینکه اصلاً کسی جواب را می‌دهد یا نه؛ ولی تنها چیزی که در زمان مراجعه به من گفتند این بود که از بالا به آنها دستور داده شده بود، به من مجوز ندهند. بچه‌هایی‌ای که در دهه ۷۰ گرایش خود را به دولت اصلاحات خاتمی نشان داد و ارتباط نزدیکی با جبهه مشارکت داشت در سال‌های اخیر از گلایه بود. امید او کم‌کم نسبت به روند اصلاحی کم‌رنگ شد. می‌گفت: «اگر کسی به معضلی اعتراض کرد که برانداز نیست و نمی‌خواهد که رژیم را سرنگون کند، نمی‌خواهد که اطلاعات به بیگانه بدهد، نمی‌خواهد که جاسوسی کند اما این برچسب‌ها را به هر کسی که قصد برخورد با معضلات جامعه را دارد، می‌چسبانند. من با تعریف خودم که ذکر کردم، لازم می‌دانم که هر هنرمندی به آنچه به ضرر مردم است، معترض باشد، حالا هر اسمی می‌خواهید روی آن بگذارید؛ سیاسی یا هر چیز دیگری». اواخر دهه ۹۰ در مهر ۱۳۹۷ پس از ۱۶ سال برای سه قطعه از دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوز دریافت کرد و در سال ۱۳۹۸ هم با برگزاری یک کنسرت روی صحنه رفت؛ اما دیگر تکراری در کار نبود و حسین زمان هرچه بیشتر با بیماری و شاید خستگی گره خورد و در نهایت شمع زندگی‌اش خاموش شد.